



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



اشتراک کا بیخ و بن اور عقیقہ

چراغ

چراغ جعفری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت

نویسنده:

جواد جعفری

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۴	دیباچه
۱۶	مقدمه
۱۸	فصل اول: شخصیت شناسی امام مهدی (عج)
۱۸	اشاره
۱۸	۱. نام امام
۲۰	۲. نسب امام
۲۰	اشاره
۲۰	الف) اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)
۲۱	ب) فرزند حضرت فاطمه (علیها السلام)
۲۴	۳. اوصاف ظاهری امام
۲۶	۴. جانشینی امام
۳۴	۵. سیره امام
۳۴	اشاره
۳۴	الف) عدالت اقتصادی
۳۶	ب) بخشش فراوان
۴۰	فصل دوم: قیام امام مهدی (عج)
۴۰	اشاره
۴۰	۱. حتمی بودن قیام
۴۳	۲. نزدیکی قیام
۴۴	۳. آخرالزمان بودن قیام

۴۵	۴. دوران قبل از قیام
۵۴	۵. نشانه های قیام
۵۴	اشاره
۵۵	الف) پرچم های سیاه
۵۹	ب) خسف پیدا
۶۵	ج) قتل نفس زکیه
۷۰	۶. یاران قیام
۷۰	اشاره
۷۰	الف) تعداد یاران
۷۵	ب) محل بیعت
۷۶	۷. محل قیام
۷۹	۸. فرو آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) هنگام قیام
۸۴	فصل سوم: حکومت امام مهدی (عج)
۸۴	اشاره
۸۴	۱. عدالت فراگیر
۸۷	۲. نعمت بی سابقه
۸۹	۳. طبیعت سرسبز
۹۴	نتیجه گیری
۹۸	کتابنامه
۱۰۴	درباره مرکز

## اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت

### مشخصات کتاب

سرشناسه : جعفری، جواد، 1350 -

عنوان و نام پدیدآور : اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت/ جواد جعفری؛ تدوین پژوهشکده حج و زیارت.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، 1393.

مشخصات ظاهری : 96ص..م س 21×14/5؛

شابک : 23000 ریال: 3-517-540-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [91] - 96؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق -

موضوع : مهدویت-- مطالعات تطبیقی

موضوع : مهدویت-- دیدگاه اهل سنت

موضوع : مهدویت-- احادیث

موضوع : مهدویت-- احادیث اهل سنت

موضوع : مهدویت-- دفاعیه ها و ردیه ها

شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. پژوهشکده حج و زیارت

رده بندی کنگره : BP224/حج65الف5 1393

رده بندی دیویی : 297/462

شماره کتابشناسی ملی : 3486865

وضعیت رکورد : فاپا







اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت

جواد جعفری؛ تدوین پژوهشگرده حج و زیارت

ص: 3







بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين السلام على المهدي الذي يملأ الارض قسطا وعدلا كما ملئت ظلما وجورا.

باور به سرانجام نیک بشر و اصلاح جهان به دست فردی مصلح، از مشترکات همه ادیان است. اسلام نیز که برترین و کامل ترین دین الهی به شمار می رود، بدین خواسته و امید طبیعی انسان پاسخ گفته و چنین کسی را با عنوان «مهدی» به بشر شناسانده است. او کسی است که همانام رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، و از عترت ایشان و از نسل فاطمه(علیها السلام) است. او همان کسی است که از کنار کعبه قیام خود را شروع می کند. قسط و عدل در تمامی عرصه های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی را بر پهنای زمین می گستراند. در این کار همه مصلحان کنار اویند و حتی عیسای مسیح برای یاری اش می شتابد و پشت سرش به نماز می ایستد. آری او مهدی امت است که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بشارتش را به بشر داده است و در منابع روایی همه مذاهب اسلامی نیز با اوصاف مذکور از وی یاد شده است.

ص:7

اما برخی کژاندیشان تفرقه جو با نادیده انگاشتن تمامی این روایات مشترک، آن را عقیده ای فرقه ای وانمود می نمایند.

از این رو محقق ارجمند، حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای «جواد جعفری» در این تحقیق به عقیده مهدویت از این منظر پرداخته و با استفاده از روایات صحیح السند مشترک بین شیعه و اهل سنت به شبهات مذکور پاسخ گفته است. امید است این اثر چراغ راهی برای جست و جوگران حق و حقیقت باشد.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه کلام و معارف

ص: 8

عقیده مهدویت، یعنی اعتقاد به قیام حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان که جهان را پر از عدل و داد می نماید، از عقایدی است که تمام مسلمانان با داشتن اختلاف مذهبی، بر آن اتفاق نظر دارند؛ چراکه موعود کتاب آسمانی مسلمانان و بشارت پیامبر آخرالزمان حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) است. بی شک، اعتقاد به ظهور منجی ظرفیت های بسیار فراوانی در عرصه فردی و اجتماعی دارد. مطرح کردن اندیشه مهدویت می تواند چشم انداز حرکت امت اسلامی را مشخص نماید. هر فرد، گروه، تشکل و جامعه ای می تواند در سایه توجه به مهدویت، وظیفه خود را بشناسد و براساس آن، عملکرد خود را بسنجد. می توان با نگاه به این وعده بزرگ الهی و نبوی، فصلی مشترک برای گفت و گوی بین مذاهب اسلامی ایجاد نمود و مسلمانان را بیشتر به هم نزدیک کرد؛ چراکه بسیاری از موضوعات مهدویت میان همه مذاهب اسلامی مشترک است.

متأسفانه گروه هایی که با وحدت مسلمانان، منافع شیطانی شان به خطر می افتد، همواره به دنبال ایجاد تفرقه اند و چنین وانمود می کنند که عقیده مهدویت در نظام فکری شیعه، فصل مشترکی با اهل تسنن ندارد و



امام مهدی شیعه (عج) تنها در نام «مهدی» با اهل سنت مشترک است. گروه های تکفیری وهابیت از این دسته اند. کسانی که به دلیل داشتن امکانات مادی فراوان، شبکه های مختلف ماهواره ای و سایت های متعدد مجازی، پیوسته تفرقه و دشمنی را میان امت اسلامی تبلیغ می کنند. صورت خوش بینانه این است که چنین افرادی، افزون بر بی اطلاعی از روایات شیعه، کم ترین آگاهی هم از منابع روایی اهل تسنن ندارند؛ زیرا اگر نیم نگاهی به این کتاب ها بیندازند، خواهند دید بسیاری از مسایل مهدویت میان شیعه و سنی مشترک است.

در واقع این تحقیق، به برخی نقاط مشترک میان شیعه و سنی در مسئله مهدویت می پردازد. بی شک، مراجعه به منابع روایی شیعه و اهل سنت و استخراج روایات مشترک، به روشنی گویای اشتراک فراوان و وحدت نظر جهان اسلام در آموزه بالنده مهدویت است.

در این نوشتار سعی شده است تا احادیث معتبر اهل سنت نقل شود تا بهانه جویان تفرقه افکن، ضعف سند یا بی اعتباری منبع آن را بهانه نمایند. بی تردید اگر قرار باشد همه روایات اهل سنت در نظر گرفته شود، موارد مشترک میان روایات شیعه و سنی بسیار فراوان تر از این خواهد شد. (1) موارد مشترک میان فرق اسلامی در سه بخش کلی ارائه می شود: بخش اول، مشترکات روایات شیعه و سنی درباره شخص امام مهدی (عج). بخش دوم، مشترکات درباره قیام ایشان و بخش سوم مشترکات درباره دوران حکومت امام مهدی (عج).

ص: 10

فردی که در آخرالزمان قیام خواهد کرد و جهان را پر از عدالت خواهد نمود، شخصیتی منحصر به فرد است؛ به طوری که در احادیث فریقین، ویژگی های متعددی برای ایشان ذکر شده است. در بخش نخست از روایات شیعه و سنی، موارد مشترک مربوط به شخص امام مهدی(عج)، نقل می گردد.

### 1. نام امام

نخستین نکته مشترک میان فرق اسلامی، در موضوع شخص امام مهدی(عج)، نام ایشان است. گفتنی است افزون بر لقب معروف ایشان، یعنی «مهدی» که مشترک میان احادیث شیعه و سنی است، نام ایشان در احادیث فریقین یکسان نقل شده است. احادیث شیعه و سنی به همنام بودن امام مهدی(عج) با پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) تصریح کرده اند؛ برای نمونه «ابوداود»، یکی از نویسندگان صحاح سته اهل تسنن، در کتاب خود چنین نقل می کند:

عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ» قَالَ زَائِدُهُ فِي حَدِيثِهِ: «لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ» ثُمَّ اتَّفَقُوا «حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِنِّي» أَوْ

«مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي... زَادَ فِي حَدِيثِ فِطْرٍ: «يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» وَقَالَ فِي حَدِيثِ سُفْيَانَ: «لَا تَذْهَبُ أَوْ لَا تَنْقُضِي الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي». (1)

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می گرداند تا مردی از اهل بیت مرا برانگیزاند که همانام من است... زمین را از برابری و عدالت پر می کند؛ همان گونه که از ظلم و ستم پر گشته است.

«دکتر بستوی»، از نویسندگان معاصر اهل سنت، افزون بر سنن ابی داوود، چهارده منبع از اهل سنت را برای این حدیث نام می برد و اعتبار سند حدیث را ثابت می کند. (2) «شیخ صدوق» نیز از طریق راویان احادیث شیعه، همین مطلب را از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل کرده است:

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْمَهْدِيُّ (عَج) مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَخُلُقًا تَكُونُ بِهِ غَيْبَةً وَحَيْرَةً تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقَابِ يَمَلُؤُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا. (3)

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت می کند که حضرت فرمود: «مهدی (عج) از فرزندان من است. اسم او، اسم من و کنیه او، کنیه من است. از نظر خلق (قیافه) و خلق (رفتار) شبیه ترین مردم به من است. برای او غیبت و حیرتی است که امت ها در آن گمراه شوند.

ص: 12

- 1- . سنن ابی داوود، ج 4، ص 106. الالبانی به حسن و صحیح بودن این حدیث، حکم کرده است.
- 2- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، عبدالعظيم البستوي، ص 251.
- 3- . كمال الدين و تمام النعمه، ج 1، ص 286. [1]

سپس مانند شهاب ثاقب پیش آید و زمین را پر از عدل و داد نماید؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد».

با توجه به روایات فریقین، روشن می شود که نام مهدی موعود(عج) میان شیعه و سنی یکسان نقل شده است که همان نام پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) است.

## 2. نسب امام

### اشاره

دومین مورد از اشتراکات مورد بحث در روایات شیعه و سنی، مسئله نسب امام مهدی(عج) است. روایات فریقین درباره نسل امام، اشتراکات فراوانی دارند؛ به طوری که تصویر یکسانی را از خاندان امام مهدی(عج) نشان می دهند. ما در اینجا تنها به دو مورد آن اشاره می کنیم:

### الف) اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله)

روایات شیعه و سنی بدون هیچ اختلاف، بیانگر آن است که موعود جهان اسلام، از خاندان پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد مصطفی(صلی الله علیه و آله)، است. «ابن ماجه»، مؤلف یکی از صحاح سته اهل سنت، چنین نقل می کند:

عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلِهِ. (1)

حضرت علی(علیه السلام) از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: مهدی(عج) از ما اهل بیت است و خداوند کار او را در یک شب اصلاح می کند.

ص: 13

---

1- سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1367. «آلبانی» به حسن بودن سند این حدیث حکم کرده است. «محمد فؤاد الباقي» در شرح این قسمت از حدیث که می فرماید «خداوند یک شبه اصلاحش می کند»، از ابن کثیر نقل می کند که یعنی خداوند رو به امام می کند و او را موفق می گرداند و راه پیشرفتش را به او الهام می کند؛ بعد از آنکه چنین نبود.

دکتر بستوی افزون بر سنن «ابن ماجه»، ده منبع حدیثی دیگر را برای این روایت نام می برد و از نظر سندی، آن را معتبر می شمارد. (1)

شیخ صدوق نیز همین حدیث را از طریق شیعه چنین آورده است:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله): الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصَلِّحُ اللَّهُ لَهُ أُمَّرَةً فِي لَيْلِهِ. (2)

ابراهیم پسر محمد حنفیه از پدرش محمد و او از پدرش امیر مؤمنان (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: مهدی (عج) از ما اهل بیت (علیهم السلام) است و خداوند کار او را در یک شب اصلاح می کند.

چنان که ملاحظه می شود، این گونه روایات حتی در راویان نزدیک به معصوم هم مشترک است و از همگونی بسیار زیاد معارف مهدوی در فریقین خبر می دهد.

### (ب) فرزند حضرت فاطمه (علیها السلام)

بیان شد که امام مهدی (عج) از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. البته اهل بیت، به ویژه در نگاه اهل سنت، دایره وسیعی از خاندان پیامبر را شامل

ص: 14

---

1- . المهدی المنتظر (عج) فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحه، ص 156. گروهی از دانشمندان، این حدیث را صحیح دانسته اند. «ابن حجر» می گوید در سند کتاب سنن ابن ماجه نام راوی «یاسین» بدون انتساب آمده است. بنابراین برخی از محدثان متأخر گمان کرده اند «یاسین ابن معاذ زیات» است و حدیث را به خاطر او تضعیف کرده اند که کار درستی نیست. این جمله ابن حجر نشان می دهد وی حدیث را صحیح می داند. «سیوطی» نیز این حدیث را حسن دانسته است و «احمد شاکر» گفته است سندهای آن صحیح است. آلبانی هم حکم به صحت کرده است. در نتیجه، سند این حدیث حسن است.

2- . کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 152. [1]

می شود. اما احادیث معتبری از فریقین این دایره را محدود می کنند. براساس احادیثی از شیعه و سنی، امام مهدی (عج) از فرزندان حضرت زهرا (علیها السلام) می باشد. آری! فریقین اتفاق نظر دارند انسان بزرگواری که جهان را از ظلم و جور نجات می دهد و بشر را به اوج عدالت و معنویت می رساند، فرزندی از فرزندان زهرا (علیها السلام) است. «ابوداود» از محدثان اهل تسنن چنین نقل کرده است:

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: الْمَهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ وَدِّ فَاطِمَةَ. (1)

ام سلمه می گوید که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم فرمود: «مهدی (عج) از عزت من است؛ از فرزندان فاطمه».

دکتر بستوی برای این حدیث، افزون بر سنن ابی داوود، 9 منبع روایی اهل سنت را نام برده و ضمن اثبات اعتبار سند، نام کسانی را که اعتقاد به صحت سند این حدیث دارند، بیان کرده است. (2) «شیخ طوسی» از طریق شیعه نیز چنین نقل می کند:

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ الْمَهْدِيُّ (عَج) مِنْ عِزَّتِي مِنْ وَدِّ فَاطِمَةَ. (3)

ام سلمه می گوید: از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم فرمود: «مهدی (عج) از عزت من است؛ از فرزندان فاطمه».

البته درباره نسل و نسب امام مهدی (عج) تفاوت هایی هم وجود دارد که به

ص: 15

- 
- 1- . سنن ابی داوود، ج 4، ص 107.
  - 2- . المهدي المنتظر (عج) في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 202.
  - 3- . الغيبة، شيخ طوسی، ص 187.

نظر می‌رسد برخی از آنها با دقت در روایات حل‌شدنی است؛ مانند حسنی یا حسینی بودن امام مهدی (عج). بیشتر اهل سنت معتقدند مهدی موعود (عج) از فرزندان امام حسن مجتبی (علیه السلام) است. اما دلیل این اعتقاد، تنها یک روایت ضعیف‌السند است. این روایت را اهل سنت از سنن ابی داوود نقل کرده‌اند؛ در حالی که خودشان سند آن را ضعیف می‌دانند. (1) اما شیعه براساس صدها روایت (2) معتقد است که امام مهدی (عج) از فرزندان امام حسین (علیه السلام) است. البته دانشمندان شیعه و سنی معتقدند که این تفاوت، اختلاف مهمی نیست و روایات با هم قابل جمع است؛ زیرا شیعه و سنی قبول دارند که امام مهدی (عج) هم حسنی است و هم حسینی؛ حال یا از طرف پدر حسینی است و از طرف مادر حسنی (3) یا برعکس (4).

ص: 16

1- . موسوعه فی أحادیث الإمام المهدی، الضعیفه و الموضوعه، عبدالعلیم عبدالعظیم البستوی، ص 348.

2- . ر.ک: من هو المهدی، ابوطالب تجلیل تبریزی. در این کتاب، روایات فراوانی درباره نسب امام مهدی (عج) جمع آوری شده است.

3- . المهدی المنتظر ( [1عج] فی الفکر الإسلامی، مرکز الرساله، ص 66. وی می‌نویسد: میان روایتی که می‌گوید امام مهدی از فرزندان امام حسن مجتبی (علیه السلام) است و میان روایاتی که تصریح دارد امام مهدی از فرزندان امام حسین ( [2ع] ) است، تعارض نیست و جمع میان این روایت‌ها وجود دارد؛ به این گونه که امام مهدی (عج) از طرف پدر حسینی و از طرف مادر حسنی باشد؛ چرا که همسر امام سجاد (علیه السلام)، مادر امام باقر (علیه السلام)، فاطمه دختر امام حسن مجتبی (علیه السلام) است. بنابراین امام باقر (علیه السلام) از طرف پدر حسینی و از طرف مادر حسنی است و فرزندان ایشان واقعاً از نسل امام حسن و امام حسین ( [3] علیهما السلام) هستند. این جمع میان روایات را قرآن تأیید می‌کند. خداوند می‌فرماید: «و اسحاق و یعقوب را به ابراهیم بخشیدیم، هر یک را هدایت کردیم و نوح را پیش از این هدایت نمودیم و از فرزندان او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون، این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس همه از شایستگان بودند». (انعام: 84 و 85). [4] حضرت عیسی (علیه السلام) از طرف حضرت مریم (علیها السلام) به فرزندان پیامبران پیوسته است. پس مانعی ندارد که فرزندان امام باقر (علیه السلام) از طرف مادر به امام حسن مجتبی (علیه السلام) ملحق شوند؛ همان گونه که حسنین از طرف فاطمه زهرا (علیها السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ملحق شدند. با فرض صحت حدیث ابوداود در جمع میان این روایات شکی نیست؛ اگرچه حدیث وی از تمام وجوه مخالف صحت است. چنان که پیش‌تر گذشت.

4- . مرقاه المفاتیح شرح مشکاه المصابیح، ج 8، ص 3438. وی می‌نویسد: «اختلاف شده است

### 3. اوصاف ظاهری امام

سومین مورد مشترک میان فرق اسلامی در بحث شخص امام مهدی (عج)، برخی از ویژگی های ظاهری (قیافه) ایشان است. در احادیث شیعه و سنی، شکل ظاهری امام نیز یکسان بیان شده است؛ ابوداود در کتاب های اهل تسنن چنین نقل کرده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): الْمَهْدِيُّ مِنِّْي أَجَلِي الْجَبْهَةِ أَقْنَى الْأَنْفِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا... 1

«ابوسعید خدری» می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: مهدی (عج) از من است. پیشانی بلند و باریک و بینی کشیده دارد. زمین را از برابری و عدل پر می کند؛ همان گونه که از ستم و ظلم پر شده است... .

دکتر بستوی، غیر از کتاب سنن ابی داود، دو منبع دیگر برای این حدیث از منابع روایی اهل تسنن نام می برد و اعتبار سند آن را نیز ثابت می کند. 2 همچنین در «مسند احمد بن حنبل» آمده است:



عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَجْلَى أَقْنَى يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ قَبْلَهُ ظُلْمًا.... (1)

ابوسعید خُدری می گوید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: قیامت برپا نمی گردد تا مردی از خاندان من حکومت نماید که پیشانی بلند و باریک و بینی کشیده دارد. او زمین را از عدل پر می کند؛ همان گونه که قبل از آن، از ظلم پر شده است... .

دکتر بستوی غیر از کتاب مسند احمد، سه منبع دیگر از منابع روایی اهل تسنن را برای این حدیث نام می برد و با بیانی درباره راوی این حدیث، اعتبار سند آن را ثابت می کند. (2) سپس نام محدثانی که این حدیث را در موضوع مهدویت آورده اند، ذکر می کند تا معلوم شود منظور از «مردی از خاندان من»، امام مهدی (عج) است. در کتب شیعه نیز جریر طبری این حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) را چنین آورده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ أَنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَجْلَى أَقْنَى يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ قَبْلَهُ ظُلْمًا.... (3)

ابوسعید خُدری می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: قیامت برپا نمی گردد تا مردی از خاندان من حکومت نماید که پیشانی بلند و باریک و بینی کشیده دارد. او زمین را از عدل پر می کند؛ همان گونه که قبل از آن از ظلم پر شده است... .

ص: 18

1- . مسند أحمد، ج 17، ص 210. [1]

2- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 301.

3- . دلائل الإمامه، ص 480. [2]

اشتراک راویان حدیث مهدویت در کتاب های شیعه و سنی، نمایانگر وحدت حقیقت عقیده مهدویت میان فرق اسلامی است.

#### 4. جانشینی امام

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در حدیثی دوازده جانشین را برای بعد از خود معین کرد؛ به طوری که هیچ یک از دانشمندان شیعه و سنی در صحت حدیث دوازده خلیفه شکی ندارند. (1) اما در روایات معتبر اهل تسنن، نام این دوازده وصی نقل نشده و همین موجب گردیده تا اهل تسنن در مصداق این دوازده تن اختلاف نمایند. (2) البته برخی از دانشمندان اهل تسنن تصریح کرده اند که امام مهدی (عج) دوازدهمین و آخرین این افراد است.

«ابن کثیر»، از دانشمندان اهل سنت، در تفسیر آیه ( وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا ) (مائده: 12)، حدیث پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را درباره دوازده جانشین از مسند احمد بن حنبل چنین نقل می کند:

عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَهُوَ يُقْرَأُ الْقُرْآنَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ هَلْ سَأَلْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مَنْ خَلِيفَتُهُ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ مَا سَأَلَنِي عَنْهَا أَحَدٌ مُنْذُ قَدِمْتُ الْعِرَاقَ قَبْلَكَ ثُمَّ قَالَ نَعَمْ وَلَقَدْ سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَقَالَ اثْنَا عَشَرَ كَعَدَّةِ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ هَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ مِنْ هَذَا

ص: 19

1- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 367.

2- . برای دیدن اقوال دانشمندان اهل تسنن ر.ک: فتح الباری، ابن حجر؛ عون المعبود، عظیم آبادی؛ تحفه الأ-حوذی، مبارکفوری؛ مختصر سنن ابی داوود، منذری.

الْوَجْهِ وَأَصْلُ هَذَا الْحَدِيثِ ثَابِتٌ فِي الصَّحِيحَيْنِ مِنْ حَدِيثِ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ مَاضِيًا مَا وَلِيَهُمْ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا ثُمَّ تَكَلَّمَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) بِكَلِمَةٍ خَفِيَّةٍ عَلَيَّ فَسَأَلْتُ أَبِي مَاذَا قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) قَالَ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ وَهَذَا لَفْظُ مُسْلِمٍ وَمَعْنَى هَذَا الْحَدِيثِ الْبِشَارَةُ بِوُجُودِ اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً صَالِحًا يُقِيمُ الْحَقَّ وَيَعْدِلُ فِيهِمْ. (1)

احمد بن حنبل نقل می کند که مسروق گفت: نزد عبد الله بن مسعود نشسته بودیم و او به ما قرآن می آموخت. مردی به او گفت: «ای اباعبدالرحمان! آیا از پیامبر (صلى الله عليه وآله) پرسیدید این امت چند جانشین خواهد داشت؟» عبدالله گفت: «از وقتی به عراق آمده ام، قبل از تو کسی از من در این باره سؤال نکرده است». بعد گفت: «آری! از پیامبر (صلى الله عليه وآله) پرسیدیم». پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: «دوازده تن به تعداد بزرگان بنی اسرائیل». این حدیث غریبی از این جهت است. اصل این حدیث ثابت است در صحیحین (بخاری و مسلم) از حدیث جابر بن سمره که گفت شنیدم پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: «همیشه امور مردم می گذرد تا وقتی که دوازده مرد بر آنان ولایت کنند». سپس پیامبر (صلى الله عليه وآله) کلمه ای را فرمود که بر من مخفی ماند. از پدرم پرسیدم که پیامبر (صلى الله عليه وآله) چه فرمود؟ گفت: «همه از قریش هستند» و این عبارت [صحیح] مسلم است و معنای این حدیث، مؤده به وجود دوازده جانشین صالح است که حق را اقامه می کنند و میان مردم به عدالت رفتار می نمایند.

آن گاه تصریح می کند:

ص: 20

وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَكُونَ وَلَا يَتُّهُمْ لَا مَحَالَهَ وَ الظَّاهِرُ أَنَّ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ الْمُبَشَّرُ بِهِ فِي الْأَحَادِيثِ الْوَارِدَةِ بِذِكْرِهِ. (1)

و قیامت برپا نمی شود تا اینکه اینان حکومت نمایند و ظاهر این است که مهدی (عج) بشارت داده شده در احادیث، جزء آن دوازده تن است.

کلام وی را «مبارکفوری» (2) و «عظیم آبادی» (3) نیز نقل کرده اند. همچنین ابوداوود، «کتاب المهدی» را با حدیث «جابر بن سمره» که گویای دوازده جانشین است، چنین شروع می کند:

عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ تَجْتَمِعُ عَلَيْهِ الْأُمَّةُ فَسَمِعْتُ كَلَامًا مِنَ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَمْ أَفْهَمْهُ قُلْتُ لِأَبِي مَا يَقُولُ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ. (4)

جابر بن سمره می گوید: شنیدم رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: «همیشه این دین برپاست تا دوازده خلیفه بر شما باشند که امت همه بر آنها توافق می کنند». بعد کلامی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که آن را نفهمیدم. به پدرم گفتم: پیامبر (صلی الله علیه و آله) چه فرمود؟ گفت: «همه از قریش هستند».

از «سیوطی» نقل شده که وقتی ابوداوود این حدیث را در «کتاب المهدی» نقل می کند، به پذیرش قول دانشمندان اشاره می نماید که آنها می گویند: «امام مهدی (عج) جزء این دوازده تن است». (5) دکتر بستوی نیز

ص: 21

1- . تفسیر ابن کثیر، ج 3، ص 59. [1]

2- . تحفه الأحوذی، ج 6، ص 393.

3- . عون المعبود و حاشیه ابن القیم، ج 11، ص 247.

4- . سنن أبی داوود، ج 4، ص 106. آلبانی به صحت این حدیث حاکم کرده است.

5- . شرح سنن أبی داوود، عباد، درس 482، ص 4. سیوطی در آخر جلد «العرف الوردی فی اخبار المهدی» می گوید: «در این باب ذکر شد که این روایت اشاره دارد به آنچه دانشمندان گفته اند که امام مهدی یکی از دوازده جانشین است».

برخلاف کوتاه و مبهم بودن روایات اهل تسنن در موضوع دوازده جانشین، احادیث شیعه نام این دوازده وصی را به تفصیل نقل می کند و نشان می دهد دوازدهمین جانشین، چه کسی است؛ برای نمونه «مرحوم کلینی» در کتاب خود چنین نقل کرده است:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: «من با تو کاری دارم. چه وقت برایت آسان تر است که تو را تنها بینم و از تو سؤال کنم؟» جابر گفت: «هر وقت شما بخواهی». پس روزی با او در خلوت نشست و به او فرمود: «درباره لوحی که آن را در دست مادرم، فاطمه (علیها السلام) دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دیده ای و آنچه مادرم به تو فرمود که در آن لوح نوشته بود، به من خبر ده!» جابر گفت: «خدا را گواه می گیرم که من در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خدمت مادرت فاطمه (علیها السلام) رفتم و او را به ولادت حسین (علیه السلام) تبریک گفتم و در دستش لوح سبزی دیدم که گمان کردم از زمرد است و مکتوبی سفید در آن دیدم که چون رنگ خورشید [درخشان] بود. به او عرض کردم: دختر پیغمبر! پدر و مادرم قربانت. این لوح چیست؟ فرمود: لوحی است که خدا آن را به رسولش (صلی الله علیه و آله) هدیه فرمود که اسم پدرم و اسم شوهرم و اسم دو پسر و اسم اوصیای از فرزندانم در آن

ص: 22

---

1- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 337: و برخی از دانشمندان، امام مهدی بشارت داده شده را از آن دوازده تن شمرده اند و بنابر همین، ابوداود نیز حدیث دوازده جانشین را در باب المهدي کتاب سنن خود آورده است.

نوشته است و پدرم آن را به عنوان مزدگانی به من عطا فرمود». جابر گوید: «سپس مادرت فاطمه (علیها السلام) آن را به من داد. من آن را خواندم و رونویسی کردم». پدرم به او گفت: «ای جابر! آن را بر من عرضه می داری؟» عرض کرد: «آری». آن گاه پدرم همراه جابر به منزل او رفت. جابر ورق صحیفه ای بیرون آورد. پدرم فرمود: «ای جابر! تو در نوشته ات نگاه کن تا من برایت بخوانم». جابر در نسخه خود نگریست و پدرم قرائت کرد. حتی یک حرف هم اختلاف نداشت. آن گاه جابر گفت: «خدا را گواه می گیرم که این گونه در آن لوح نوشته دیدم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ این نامه از جانب خداوند عزیز حکیم است برای محمد (صلی الله علیه و آله) پیغمبر او، و نور و سفیر و دربان (واسطه میان خالق و مخلوق) و دلیل او، که روح الامین (جبرئیل) از نزد پروردگار جهان برای او فرو آورده است. ای محمد (صلی الله علیه و آله) نام های مرا بزرگ شمار... من هیچ پیغمبری را مبعوث نساختم که دورانش کامل شود و مدتش تمام گردد، جز اینکه برای او وصی و جانشینی مقرر کردم و من تو را بر پیغمبران برتری دادم و وصی تو را بر اوصیای دیگر، و تو را به دو شیرزاده و دو نوه ات، حسن و حسین، گرامی داشتم و حسن را بعد از سپری شدن روزگار پدرش، کانون علم خود قرار دادم و حسین را خزانه دار وحی خود ساختم و او را با شهادت گرامی داشتم و پایان کارش را به سعادت رسانیدم. او برترین شهادت و مقامش از همه آنها برتر است. کلمه تامه خود را همراه او و حجت رسای خود را نزد او قرار دادم. به سبب عترت او، پاداش و کیفر دهم. نخستین آنها،

سرور عابدان و زینت اولیای گذشته من است و پسر او که همانند جد پسندیده خود محمد است، شکافنده علم من و کانون حکمت من است و جعفر است که شک کنندگان درباره او هلاک می شوند. هرکه او را نپذیرد، مرا نپذیرفته است. سخن و وعده پابرجای من است که مقام جعفر را گرامی دارم و او را درباره پیروان و یاران و دوستانش خوشنود سازم. پس از او، موسی است که [در زمان او] آشوبی سخت و گیج کننده فراگیرد؛ زیرا رشته و جوب اطاعت من قطع نگردد و حجت من پنهان نشود و همانا اولیای من با جامی سرشار سیراب شوند. هرکس یکی از آنها را انکار کند، نعمت مرا انکار کرده و آنکه یک آیه از کتاب مرا تغییر دهد، بر من دروغ بسته است. پس از گذشتن دوران بنده و دوست و برگزیده ام موسی، وای بر دروغگویان و منکران علی، دوست و یاور من و کسی که بارهای سنگین نبوت را بر دوش او گذارم و به وسیله انجام دادن آنها امتحانش کنم. مردی پلید و گردنکش (مأمون) او را می کشد و در شهری که (طوس) بنده صالح (ذوالقرنین) آن را ساخته است، کنار بدترین مخلوقم (هارون) به خاک سپرده می شود. فرمان و وعده من ثابت شده که او را به وجود پسرش و جانشین و وارث علمش محمد شاد سازم. او کانون علم من و محل راز من و حجت من بر خلقم می باشد. هر بنده ای به او ایمان آورد، بهشت را جایگاهش سازم و شفاعت او را درباره هفتاد تن از خاندانش که همگی سزاوار دوزخ باشند، بپذیرم و عاقبت کار، پسرش علی را که دوست و یاور من و گواه میان مخلوق من و

امین وحی من است، به سعادت رسانم. از او، دعوت کننده به سوی راهم و خزانه دار علمم، حسن را به وجود آورم و این رشته را به وجود پسر او «م ح م د» که رحمت برای جهانیان است، کامل کنم. او کمال موسی و رونق عیسی و صبر ایوب دارد. در زمان [غیبت] او دوستانم خوار گردند و [ستمگران] سرهای آنها را برای یکدیگر هدیه فرستند؛ چنان که سرهای ترک و دیلم (کفار) را هدیه فرستند. ایشان را بکشند و بسوزانند و آنها ترسان و بیمناک و هراسان باشند. زمین از خونهاش رنگین گردد و ناله و فغان میان زنانشان بلند شود. آنها دوستان حقیقی من هستند. به وسیله آنها هر آشوب سخت و تاریک را بزدایم و از برکت آنها شبها و مصیبات و زنجیرها را بردارم. درود و رحمت پروردگار بر آنها باد و تنها ایشان اند، هدایت شدگان.

بنابراین جانشینان پیامبر (صلی الله علیه و آله) نزد شیعه، منحصر در همین دوازده تن است؛ به طوری که آنان بدون فاصله و پشت سر هم تا روز قیامت وصایت را در اختیار دارند و کسی غیر از اینان حق خلافت و حکومت ندارد؛ مگر به اذن و نیابت از آنان؛ مانند حکومتی که فقهای شیعه برعهده دارند. حکومت فقها در حقیقت، حکومت امام آن زمان است که فقیه جامع شرایط آن را برپا می دارد؛ مانند نیابتی که «عثمان بن سعید» از امام هادی و امام حسن عسکری (علیهما السلام) داشت. (1)

ص: 25

---

1- . کافی، ج 1، ص 330، «مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ: ... قَدْ أَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ [1] عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ وَقُلْتُ مَنْ أَعْمَلُ أَوْ عَمَّنْ أَخَذُ وَقَوْلُ مَنْ أَقْبَلُ فَقَالَ لَهُ الْعَمْرِيُّ يُعْتَبِي فَمَا أَدَى إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدَى وَ مَا قَالَ لَكَ عَنِّي فَعَنِّي يَقُولُ فَاسْمَعْ لَهُ وَ أَطِعْ فَإِنَّهُ الثَّمَّةُ الْمَأْمُونُ وَ أَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ مِثْلِ



اهل تسنن با آنکه احادیث دوازده خلیفه را قبول دارند، اما انحصار و پشت سر هم بودن آنان را نمی پذیرند. (1) در حالی که این انحصار به راحتی از روایتی که از «ابن کثیر» در تفسیرش از «ابن مسعود» نقل کردیم، فهم و استفاده می شود؛ زیرا در آن روایت، هنگامی که راوی از تعداد خلفای این امت سؤال کرد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عدد دوازده را بیان فرمود و تأکید نمود تعداد آنان تا روز قیامت، به تعداد نقبای بنی اسرائیل است. طبیعی است که با توجه به پرسش، حمل روایت به خلفای عادل و صالح، خلاف ظاهر است و نقبای بنی اسرائیل تنها دوازده تن بودند نه آنکه عادل از آنان، دوازده نفر باشند. این نوشته در صدد نقد عقاید دیگر فرق اسلامی نیست. غرض بیان این نکته بود که برخی اختلاف ها با دقتی بیشتر در روایات حل شدنی است. بنابراین، به اتفاق نظر دانشمندان شیعه و سنی، دوازدهمین و آخرین جانشین پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، امام مهدی (عج) است.

ص: 26

---

1- . عون المعبود و حاشیه ابن القیم، ج 11، ص 245: «توربشتی» می گوید: «راه در این حدیث و آنچه در ادامه آن است در این معنا، این است که حمل شود بر عادلان از آنها؛ زیرا تنها آنها در حقیقت سزاوار نام جانشین و خلیفه اند و لازم نیست پشت سر هم باشند».

پنجمین مورد مشترک میان فرق اسلامی در بحث شخص امام مهدی (عج)، روش حکومتی ایشان است. سیره حکومتی امام مهدی (عج) پس از ظهور، موضوعی مهم در بحث مهدویت است. برخی روش های رفتاری امام در روایات فریقین بیان شده است که از موارد مشترک میان شیعه و سنی در عقیده مهدویت است. در اینجا به برخی از سیره های مشترک اشاره می شود:

### الف) عدالت اقتصادی

روایات فراوانی از شیعه و سنی به این نکته مهم اشاره کرده اند که زمین بر اثر رفتار امام، از عدالت پرمی گردد. در واقع امام، مظهر تام عدالت است؛ به طوری که رفتار ایشان با مردم، اعم از دوست و دشمن، موجب گسترش عدالت در تمام نقاط عالم خواهد شد و بشری که سال های متمادی، انتظار عدالت را کشیده است، طعم شیرین آن را در دولت مهدوی با تمام جان دریافت خواهد کرد.

گفتنی است یکی از موارد مشترک در احادیث فریقین، رعایت عدالت اقتصادی امام مهدی (عج) است؛ برای نمونه «حاکم نیشابوی» از عالمان برجسته اهل تسنن، این مطلب را از ابوسعید خدری چنین نقل می کند:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ يَخْرُجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمُهْدِيُّ ... وَيُعْطَى الْمَالَ صِحَاحًا 1...

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: مهدی (عج) در آخر امت من خروج می کند... و اموال را مساوی تقسیم می کند. (1)

بستوی ضمن اثبات صحت سند این حدیث، کسانی را که به صحت سند آن قائل اند، نام می برد. (2) در احادیث شیعه نیز «جریر طبری»، همین مطلب را از ابوسعید خدری آورده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ذَكَرَ الْمَهْدِيَّ فَقَالَ... وَيَقْسِمُ الْمَالَ قِسْمَهُ صَاحِبًا قَالَ قُلْتُ: وَمَا صَاحِبٌ قَالَ  
بِالسَّوَاءِ.... (3)

ابوسعید خدری می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مهدی (عج) را یاد کرد و فرمود: ... و مال را به طور صحاح تقسیم می کند. راوی می گوید: گفتیم که صحاح چیست؟ فرمود: مساوی... .

بی شک، نگاه مساوی به امت در مسائل اقتصادی، از نشانه های مهم اجرای عدالت در جامعه است. کوتاه کردن دست ویژه خواران و بهره مندی یکسان افراد جامعه از ثروت های خدادادی می تواند الگویی کارآمد برای مسئولان و حاکمان کشورهای اسلامی باشد.

ص: 28

1- . المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 4، ص 601، حدیث 8673. «حاکم می گوید این حدیث صحیح الاسناد است. ولی بخاری و مسلم آن را ذکر نکرده اند». ذهبی نیز به صحت حدیث حکم کرده است.

2- . المهدي المنتظر، فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحه، ص 165. وی می نویسد: بعد از توجه کردن به راویان در سند حدیث، روشن می شود همه آنها از کسانی اند که به آنها احتجاج می شود (معتبرند). حاکم نیشابوری نیز گفته است که سند این حدیث، صحیح است. اما مسلم و بخاری آن را در کتاب خود نیاورده اند. ذهبی هم با او موافق است و آلبانی گفته سندش صحیح است و راویان آن ثقة اند. پس سند آن، صحیح است.

3- . دلائل الإمامه، ص 471.

سنت و روش سخاوتمندانه امام مهدی (عج) در بخشش و بهره‌مندسازی مردم از نعمت‌های الهی، نکته دیگری است که روایات شیعه و سنی، یکسان بدان پرداخته است. فریقین نقل کرده‌اند که امام در دوران حکومت، به مردم توجه ویژه دارد و به آنان بی حساب بخشش خواهد نمود. «مسلم نیشابوری» در صحیح مسلم که از منابع دسته اول اهل تسنن است، سخاوت امام را چنین نقل کرده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنْ خُلَفَائِكُمْ خَلِيفَةٌ يَحْتُو الْمَالَ حَتَّى لَا يَعُدَّهُ عَدَدًا (1) وَفِي رِوَايَةِ ابْنِ حُبْرٍ يَحْتُو الْمَالَ. (3)

ابوسعید خدری می‌گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: از خلفای شما، خلیفه‌ای است که اموال را مشت مشت می‌بخشد و آن را نمی‌شمارد.

دکتر بستوی می‌گوید: «سند این حدیث، چون آفتاب روشن است». (4)

ص: 29

1- صحیح مسلم، ج 4، ص 2234، شرح محمد فؤاد عبدالباقی: اهل لغت می‌گویند: گفته می‌شود «حثیت» و «حثوت»، دو لغت است که هر دو لغت در این حدیث آمده است و مصدر دومی برای فعل اولی آمده است و این کار جایز است از باب آیه قرآن: (وَ اللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا). حثو یعنی حفن [حفن، گرفتن با کف دست است؛ در حالی که انگشتان به هم چسبیده‌اند]. با دست و این حثوی که این خلیفه انجام می‌دهد به دلیل زیادی اموال و غنائم و فتوحات است؛ همراه با سخاوت خود ایشان. (لا یعدده عددًا). در بیشتر نسخه‌ها چنین است. صاحب کتاب مصباح می‌گوید «عددته عدًا» از باب قتل است و عدد به معنای معدود است و در بعضی نسخه‌ها «عدًا» است. در این حالت مصدر تأکیدی می‌شود.

2- صحیح الجامع الصغیر و زیاده، البانی، ج 2، ص 1027: «و هو المهدی المبشر بخروجه بین یدی نزول عیسی علیه الصلاه و السلام، و یصلی عیسی علیه الصلاه و السلام خلفه»؛ «و او مهدی است که به خروجش بشارت داده شده است؛ هنگام فرو آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) و حضرت عیسی پشت سر او نماز می‌خواند».

3- صحیح مسلم، ج 4، ص 2235.

4- المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحه، ص 320: و هذا سند واضح كالشمس... (صدیق حسن خان) بعد از آوردن حدیث ابوسعید و جابر می‌گوید: «در این دو حدیث یادی از مهدی نشده است و دلیلی وجود ندارد که منظور از این دو روایت، مهدی باشد. والله اعلم». آلبانی در صحیح جامع الصغیر این حدیث را آورده است. سپس در حاشیه آن نوشته است: «و او مهدی بشارت داده شده به خروج است هنگام فرو آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) و حضرت عیسی پشت سرش نماز می‌گذارد».

احمدبن حنبل نیز در نقل دیگری همین مطلب را آورده است:

حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي عَدِيٍّ عَنْ دَاوُدَ عَنْ أَبِي نَضْرَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يُعْطَى الْمَالَ وَ لَا يَعُدُّهُ عَدًّا. (1)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: در آخرالزمان خلیفه ای خواهد بود که اموال را می بخشد و آن را نمی شمارد.

شیخ طوسی نیز در احادیث شیعه، این مطلب را از ابوسعید با تفصیل بیشتری نقل کرده است:

عَنْ جَبْرِ بْنِ نَوْفٍ أَبِي الْوَدَّاحِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ وَاللَّهِ مَا يَأْتِي عَلَيْنَا عَامٌ إِلَّا وَهُوَ شَرٌّ مِنْ الْمَاضِي وَ لَا أَمِيرٌ إِلَّا وَهُوَ شَرٌّ مِنْ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ. فَقَالَ أَبُو سَعِيدٍ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ مَا تَقُولُ وَلَكِنْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ لَا يَزَالُ بِكُمْ الْأَمْرُ حَتَّى يُوَلِّدَ فِي الْفِتْنَةِ وَ الْجَوْرِ مَنْ لَا يَعْرِفُ غَيْرَهَا حَتَّى يَمْلَأَ الْأَرْضَ جَوْرًا فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ يَقُولُ اللَّهُ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَجُلًا مِنِّي وَ مِنْ عِزَّتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَهَا مَنْ كَانَ قَبْلَهُ جَوْرًا وَ تَخْرُجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلَاحًا كَبِدِهَا (2) وَ يَحْتَوِ الْمَالَ حَتْوًا وَ لَا يَعُدُّهُ عَدًّا وَ ذَلِكَ حِينَ

ص: 30

1- . مسند أحمد، ج 17، ص 54: [1] سند این حدیث بنابر شرایط آمده در کتاب مسلم، صحیح است و ابن ابی شیبیه، مسلم و بغوی در شرح السنه آن را از طریق ابومعاویه از داوود آورده اند. عبارت حدیث در کتاب ابن ابی شیبیه، «يعطى الحق بغير عدد» است. سندی می گوید: «يعطى المال ولا يعده»، مدحی برای اوست که جود و بخشش او در حد کمال است یا اموال زیاد است.

2- . النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ج 3، ص 470. [2] ابن اثیر در این باره می نویسد: در نشانه های قیامت آمده است «و تقی الاض افلاذ کبدها»؛ «زمین خارج می کند گنجینه های دفن شده در آن را» و این استعاره است. افلاذ جمع فلذ است و فلذ جمع فلذه است و آن قطعه ای است که از طول قطع شده باشد.

«جبر بن نوف» می گوید که به ابوسعید خدری گفتم: «به خدا سوگند! سالی بر ما نمی آید، مگر بدتر از سال گذشته است و حاکمی نمی آید، مگر آنکه بدتر از حاکم قبل است». ابوسعید گفت: «از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود آنچه را تو می گویی. اما شنیدم پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمود: همیشه کار بر شما چنین خواهد بود تا آنکه در فتنه و ستم کسی متولد می شود که غیر از آن را نمی شناسد تا آنکه زمین را پر از ستم می کند و کسی قادر نخواهد بود نام خدا را ببرد. بعد از آن خداوند، مردی از من، از عترتم، را برمی انگیزاند و زمین را پر از عدالت می کند؛ همان گونه که فرد قبل از او، پر از ستم کرده بود. زمین، گنج های خود را برای او خارج می کند. اموال را مشت مشت می بخشد و آن را نمی شمارد و این هنگامی خواهد بود که اسلام در زمین استقرار یابد.

چنان که ملاحظه شد، بخشش فراوان امام مهدی (عج) در احادیث شیعه و سنی بیان شده است. نکته اساسی این است که این اموال چگونه تأمین می شود که امام می تواند چنین بخشش بزرگی نماید؟ پاسخ این پرسش در قسمت آخر حدیثی است که شیخ طوسی نقل کرده است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: «این مسئله هنگامی خواهد بود که اسلام در زمین استقرار یابد».

آری! اجرای اسلام، رمز موفقیت جوامع بشری است. حتی رفاه و آسایش دنیوی نیز در سایه عمل به دین اسلام حاصل می شود. این نکته

ص: 31

---

1- . الجران: قسمت جلوی گردن شتر است و در این جا استعاره از قدرت یافتن و ثابت شدن است.

2- . الأمالی، شیخ طوسی، ص 512. [1]

می تواند راهکاری برای جوامع امروزی هم باشد؛ به ویژه برای کشورهای که در ظاهر، اسلامی هستند. اما برای زندگی بهتر، به دنبال طرح های سکولار می روند و گمان می کنند راه سعادت جامعه، تقلید کورکورانه از مدل های غربی و ضد دینی است. برگشت به اسلام و عمل به تمام دستورهای آن و نترسیدن از کفار، رمز و راه سعادت جوامع بشری است.

نتیجه: با دقت در موارد بیان شده روشن گردید که روایات شیعه و سنی در معرفی شخص موعود، مشترک و بسیار شبیه هم می باشند. برخی از اختلافات موجود نیز با کمی دقت و انصاف، برطرف می شود. نکته مهم این است که میزان نقاط مشترک، بسیار بیشتر از نقاط اختلافی است. بنابراین موضوع مهدویت می تواند عنصر وحدت میان جوامع اسلامی باشد و برخلاف تبلیغات وهابیان تکفیری که نه شیعه اند و نه سنی، بلکه دشمن هر دو مذهب اند، باید گفت اختلاف به حدی نیست که فصل مشترکی برای گفت و گو و تعامل وجود نداشته باشد.

گذشته از ویژگی های شخصی امام، روایات شیعه و سنی به یکی از مباحث مهم مهدوی، یعنی قیام و تشکیل حکومت جهانی، پرداخته است. احادیث فریقین درباره وضعیت جهان در زمان قیام، نشانه های قیام و اتفاقاتی که در آن دوران رخ می دهد، مطالب مشترکی را بیان کرده است. در این فصل، این مشترکات بیان می شود تا آشکار گردد، برخلاف وهابیان تکفیری که مدام اختلاف و تفرقه را القا می کنند، بسیاری از ویژگی های قیام امام مهدی (عج) در آموزه های شیعه و سنی مشترک است. بی شک، موضوع مهدویت می تواند محور وحدت میان شیعه و سنی باشد. ما در اینجا به برخی از موارد مشترک احادیث شیعه و سنی در این موضوع می پردازیم:

### 1. حتمی بودن قیام

قیام و خروج امام مهدی (عج) برای تشکیل حکومت فراگیر و جهانی، از وعده های قطعی الهی در قرآن کریم است. [\(1\)](#) این وعده الهی از زبان نبی

ص:33

---

1- . (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین ها پیروز



گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز فراوان نقل شده است. احادیث شیعه و سنی، به طور یکسان، مژده خروج امام مهدی (عج) را با تأکید بسیار نقل کرده اند؛ برای نمونه ابوداؤد، بشارت قیام امام مهدی (عج) را چنین آورده است:

عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْزًا. (1)

حضرت علی (علیه السلام) از نبی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل کرد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر از روزگار جز یک روز نمانده باشد، خداوند مردی از خاندان مرا برمی انگیزد که پر می کند آن را از عدل؛ همان گونه که از ستم پر شده است.

دکتر بستوی ضمن شمردن چهار منبع برای این حدیث، صحت سند آن را ثابت کرده است. (2) شیخ صدوق نیز این وعده پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در احادیث شیعه با تفصیل بیشتری بیان کرده است و چنین نقل می کند:

ص: 34

---

1- . سنن ابی داؤد، ج 4، ص 107. آلبانی حکم به صحت حدیث کرده است.

2- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 237.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوَّلُهُمْ أَحِي وَآخِرُهُمْ وَلَدِي قَيْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَخُوكَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَيْلَ فَمَنْ وَلَدَكَ قَالَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جُورًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ (1) حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَتُشْرِقَ الْأَرْضُ بِنُورِهِ (2) وَ يَبْلُغَ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ. (3)

عبدالله بن عباس می گوید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: پس از من، جانشین و وصی و حجت الهی بر خلق، دوازده نفرند که اول آنان برادرم و آخرین ایشان فرزند من است. گفتند: «ای رسول خدا! برادر شما کیست؟» فرمود: «علی بن ابی طالب (علیه السلام)». گفتند: «فرزند شما کیست؟» فرمود: «مهدی (عج) کسی که آن را پر از عدل و داد می کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد و سوگند به خدایی که مرا به حق، به پیامبری برانگیخت، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا فرزندم مهدی (عج) در آن روز خروج کند. سپس روح الله عیسی بن مریم (علیها السلام) فرو می آید و پشت سر او نماز می خواند و زمین به نورش روشن می گردد و حکومتش به شرق و غرب عالم می رسد».

ص: 35

1- . در برخی نسخه ها «لأطال الله ذلك اليوم» ذکر شده است.

2- . در برخی نسخه ها «بنور ربّه» و در برخی دیگر «بنور ربها» آمده است.

3- . کمال الدین و تمام النعمه؛ ج 1، ص 280. [1]

البته روایات معتبر فراوانی از شیعه و سنی، گویای این حقیقت است. ولی ما تنها برای نمونه و به منظور بیان اشتراک فریقین در این مسئله اساسی، به همین مقدار بسنده کردیم.

## 2. نزدیکی قیام

طبق روایات فریقین، خروج و قیام امام مهدی (عج) اتفاقی است که هر لحظه، امکان وقوع آن می رود؛ به طوری که هر لحظه ممکن است مقدمات ظهور حضرت فراهم شود و ایشان قیام نماید؛ به عبارت دیگر، در روایت شیعه و سنی به سرعت بسیار زیاد فراهم شدن مقدمات قیام تصریح شده است.

بنابراین به وقوع پیوستن خروج امام، مسئله ای دور از انتظار نیست؛ زیرا طبق وعده پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) ممکن است خداوند یک شبه امر ایشان را اصلاح نماید و مقدمات قیام فراهم گردد. ابن ماجه در سنن خود، این مطلب را چنین بیان کرده است:

عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ. (1)

حضرت علی (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل کرد که ایشان فرمود: مهدی (عج) از ما اهل بیت است. خداوند یک شبه [کار] ایشان را اصلاح می کند.

دکتر بستوی از نویسندگان اهل سنت، یازده منبع حدیثی را برای این

ص: 36

---

1- . سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1367. آلبانی حکم به حسن بودن سند کرده است. در شرح محمد فؤاد عبدالباقي در توضیح عبارت «یصلحه الله فی لیله» آمده است که ابن کثیر می گوید: «یعنی رو می کند خداوند به او و موفق می گرداند او را و راه رشد او را به وی الهام می کند؛ بعد از آنکه چنین نبود».

روایت نام برده و سند آن را معتبر دانسته است. (1) در منابع شیعه نیز شیخ صدوق، این حدیث را از طریق شیعه چنین آورده است:

... عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصَلِّحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ وَفِي رَوَايَةٍ أُخْرَى يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلِهِ. (2)

امیر مؤمنان (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: مهدی (عج) از ما اهل بیت است و خداوند کار او را یک شبه اصلاح می کند. در روایت دیگر آمده است که خداوند [کار] او را یک شبه اصلاح می کند.

گفتنی است روایان منتهی به معصوم این حدیث نیز در نقل شیعه و سنی مشترک است که نشان از وحدت معارف فریقین دارد.

### 3. آخرالزمان بودن قیام

براساس احادیث فریقین، خروج حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان رخ خواهد داد. تمام فرق اسلامی اتفاق نظر دارند که ایشان به عنوان خاتم الأوصیا، حکومت اسلامی را بر روی زمین ایجاد خواهد کرد؛ حاکم نیشابوری در کتاب حدیثی خود از حضرت علی (علیه السلام) چنین نقل کرده است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْمَهْدِيِّ فَقَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: ... ذَاكَ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ... (3)

ص: 37

1- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 156.

2- . كمال الدين و تمام النعمه؛ ج 1، ص 152. [1]

3- . المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 4، ص 596. حاکم می نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ وَلَمْ يُخْرِجَاهُ» [التعليق من تلخيص الذهبي] على شرط البخاري و مسلم؛ «این حدیث بنابر شرایط مسلم و بخاری صحیح است. ولی آن دو، این حدیث را در کتاب خود نیاورده اند». ذهبی نیز گفته است که بنابر شرایط بخاری و مسلم، حدیث صحیح است.

جناب محمد بن حنفیه می گوید: نزد حضرت علی (علیه السلام) بودیم که مردی درباره امام مهدی (عج) از ایشان سؤال کرد. امام علی (علیه السلام) فرمود: «او در آخرالزمان خروج می کند».

دکتر بستوی اعتبار سند حدیث را بررسی و ثابت کرده است. (1) شیخ صدوق نیز در احادیث شیعه از حضرت علی (علیه السلام) این مطلب را چنین نقل می کند:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ: قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ... (2)

امام باقر (علیه السلام) از طریق پدر و جد خویش (علیهما السلام) هم از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل می کند که ایشان بر منبر بود که فرمود: «مردی از فرزندان من در آخرالزمان خروج می کند...».

چنان که ملاحظه می شود در این مورد نیز احادیث فریقین، مطلب یکسانی را از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده اند.

#### 4. دوران قبل از قیام

مورد چهارم از روایات مشترک شیعه و سنی در موضوع قیام امام مهدی (عج)، وضع جهان در آستانه قیام امام است. براساس احادیث فریقین، قبل از خروج امام مهدی (عج)، وضعیت سخت و دشواری بر جهان حاکم خواهد شد. شریعت اسلام کم رنگ می شود و کسی سخنی

ص: 38

---

1- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 208.

2- . كمال الدين و تمام النعمه، ج 2، ص 653. [1]

از خدا نخواهد گفت و هر که نام خدا ببرد، کشته خواهد شد؛ همان گونه که ابن ابی شیبیه از محدثان متقدم اهل تسنن چنین نقل می کند:

عَنْ عَلِيٍّ قَالَ يَنْقُضُ الْإِسْلَامَ حَتَّى لَا يُقَالَ اللَّهُ اللَّهُ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ ضَرَبَ رَبُّ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِدَنْبِهِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ بُعِثَ قَوْمٌ يَجْتَمِعُونَ كَمَا يَجْتَمِعُ قَرْعُ الْخَرِيفِ وَاللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُ اسْمَ أَمِيرِهِمْ وَمُنَاحَ رِكَابِهِمْ. (1)

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: اسلام کم فروغ می گردد؛ تا جایی که نام خدا برده نمی شود. هنگامی که چنین شد، پیشوای دین استقرار یابد. هنگامی که مستقر شد، گروهی برانگیخته می شوند و همانند قطعه ابرهای پاییز که به هم می پیوندند، گرد او جمع می شوند. به خدا سوگند! من نام رهبر آنان و محل استقرار مرکب هایشان را می دانم.

قسمتی از این حدیث را دانشمند شیعی «سید رضی» در نهج البلاغه نقل کرده است. (2) «ابن ابی الحدید» نیز در شرح آن می گوید: (3)

این خبر از خبرهای ملاحم است (4) که حضرت (علیه السلام) خبر می داد و ایشان

ص: 39

1- . مصنف ابن ابی شیبیه، ج 7، ص 452.

2- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 517؛ و [1] فی حدیثه (علیه السلام): «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِدَنْبِهِ فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ قَرْعُ الْخَرِيفِ»؛ «پس چون وقت آن برسد پیشوای دین مستقر و پابرجا گردد. پس نزد آن بزرگوار جمع می شوند؛ همان گونه که قطعه های ابر پاییزی به هم می پیوندند».

3- . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 19، ص 104. « [2] هذا الخبر من أخبار الملاحم التي كان يخبر بها وهو يذكر فيه المهدي الذي يوجد عند أصحابنا في آخر الزمان ومعنى قوله ضرب بدنبه أقام و ثبت بعد اضطرابه وذلك لأن اليعسوب فحل النحل وسيدها وهو أكثر زمانه طائر بجناحيه فإذا ضرب بدنبه الأرض فقد أقام و ترك الطيران والحركة. فإن قلت: فهذا يشبه مذهب الإماميه في أن المهدي خائف مستتر ينتقل في الأرض وأنه يظهر آخر الزمان و يثبت و يقيم في دار ملكه، قلت: لا يبعد على مذهبنا أن يكون الإمام المهدي [3] الذي يظهر في آخر الزمان مضطرب الأمر منتشر الملك في أول أمره لمصلحه يعلمها الله تعالى ثم بعد ذلك يثبت ملكه و تنتظم أموره».

4- . مقصود از ملاحم، حوادث و اتفاقات مربوط به آینده است.

در این خبر از امام مهدی (عج) یاد می‌کند؛ کسی که نزد یاران ما (اهل تسنن) در آخرالزمان پدیدار می‌گردد. «ضرب بذبّه»؛ یعنی بعد از حرکت و فعالیت، ایستاد و ثابت شد؛ زیرا یعسوب به زنبور نر و ملکه زنبورها گفته می‌شود که بیشتر در حال پرواز است و وقتی دم خود را بر زمین می‌گذارد که پرواز و حرکت را ترک کرده و ایستاده است. اگر گفته شود: «این سخن شبیه مذهب امامیه است که امام مهدی (عج) ترسان و مخفی در زمین حرکت می‌کند و در آخرالزمان ظهور می‌کند و در محل حکومتش ثابت و مقیم می‌شود»، گوئیم: «بر مذهب ما نیز بعید نیست امام مهدی (عج) که در آخرالزمان ظهور می‌کند، به دلیل مصلحتی که خدا می‌داند، اول کارش پریشان وضع و پراکنده قدرت باشد و بعد از آن، حکومتش ثابت و امورش منظم گردد».

شیخ طوسی از محدثان شیعه، همین مضمون را با تفصیل بیشتری از طریق امام صادق (علیه السلام) از حضرت علی (علیه السلام) چنین نقل کرده است:

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَقُولُ لَا يَزَالُ النَّاسُ يُنْقَضُونَ حَتَّى لَا يُقَالَ اللَّهُ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ (1) بِذَنْبِهِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ قَوْمًا مِنْ

ص: 40

---

1- . النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ج 3، ص 235: [1] ابن اثیر می‌نویسد: یعسوب یعنی سید و رئیس و پیشوا، و اصل یعسوب به معنای زنبور نر است و از این کلمه است حدیث دیگر حضرت علی (علیه السلام) که ایشان فتنه ای را یاد کرد و فرمود: «وقتی آن اتفاق افتاد، بزرگ دین «ضرب بذبّه» یعنی از اهل فتنه جدا می‌شود و در زمین میان اهل دین و پیروانش کسانی که از نظر او پیروی می‌کنند و آنها اذنب (دنباله رو) هستند راه می‌رود». و زمخشری گفته است: «الضرب بالذنب در اینجا، مانند اقامت و ثبات است»؛ یعنی او و کسی که پیرو اوست، بر دین ثابت و استوار می‌شوند.

أَطْرَافَهَا وَيَجِبُونَ قَرَعًا كَقَرَعِ الْخَرِيفِ (1) وَاللَّهُ إِنِّي لَا أَعْرِفُهُمْ وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَهُمْ وَقَبَائِلَهُمْ وَأَسْمَ أَمِيرِهِمْ وَمُنَاحَ رِكَابِهِمْ وَهُمْ قَوْمٌ يَحْمِلُهُمُ اللَّهُ كَيْفَ شَاءَ مِنَ الْقَبِيلَةِ الرَّجُلِ وَالرَّجُلَيْنِ حَتَّى بَلَغَ تِسْعَةَ فَيَتَوَافُونَ مِنَ الْأَهَاقِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ (أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ لَيَحْتَبِي (2) فَلَا يَحُلُّ حُبُّوتَهُ حَتَّى يُبَلِّغَهُ اللَّهُ ذَلِكَ. (3)

امام صادق (علیه السلام) فرمود که امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرمود: همیشه مردم [در دینشان] نقصان و کمبود پیدا می کنند تا [زمانی که دیگر] الله گفته نمی شود. هنگامی که چنین شد پیشوای دین استقرار یابد. پس خداوند گروهی را از گوشه و کنار دنیا برمی انگیزد که همانند قطعه ابرهای پاییز پراکنده می آیند. به خدا سوگند! من آنها را می شناسم و نام هایشان را و قبیله و اسم رهبرشان و محل استقرار مرکب هایشان را می دانم. آنها گروهی اند که خداوند هر طور بخواهد گردآوری می کند و از هر قبیله ای یک یا دو مرد، تا نه مرد را جمع می کند. پس 313 مرد به تعداد اهل بدر از اطراف دنیا جمع می شوند. این همان سخن خداوند است که

ص: 41

---

1- . مصحح کتاب الغیبه می نویسد: «قَرَع» با دو فتحه، قطعه ای از ابر است. مفرد آن «قَرَعَه» است و گفته شده که تنها به پاییز اختصاص داده شده است؛ زیرا آن اول زمستان است و ابر در آن موقع پراکنده و غیر متراکم است و بر هم انباشته نیست. بعد از این زمان، قسمتی به قسمت دیگر می پیوندد.

2- . النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ج 1، ص 336: [1] الاَحْتَبَاءُ: هو أن یضمّ الإنسان رجلیه إلی بطنه بثوب یجمعهما به مع ظهره و یشده علیها وقد یكون الاَحْتَبَاءُ بالیدین عوض الثوب.

3- . الغیبه، کتاب الغیبه للحجه، شیخ طوسی، ص 477. [2]



فرمود: «هر کجا باشید، خداوند همگی شما را می آورد، خدا بر همه چیز تواناست». حتی اگر مردی پاهایش را به شکمش بسته باشد؛ (1) هنوز آن را باز نکرده، خداوند او را هم به سرعت به قیام حضرت می رساند.

از این حدیث که شیعه و سنی از امیر مؤمنان نقل کرده اند، روشن می شود در آستانه ظهور، توحید و خداگویی کم رنگ می شود و دیگر کسی را نمی توان یافت که سخن از خدا بگوید.

ترسیم چنین وضعی از جهان، نزدیک زمان ظهور، می تواند دو پیام مهم و اساسی داشته باشد: پیام نخست، هشدار برای ما مسلمانان است که اگر در حمایت از دین الهی سستی کنیم، ممکن است بی دینی تا این میزان در جامعه پیشرفت کند که حتی سخنی هم از خدا گفته نشود. پس باید غفلت و سستی را کنار بگذاریم و برادرانه دست در دست هم به فکر حمایت و دفاع از اسلام باشیم و بدانیم که تفرقه، مهم ترین ابزار دشمن برای کوبیدن دین اسلام است.

پیام دوم، قوت قلبی برای مسلمانان است که با دیدن پیشرفت ظلم و بی دینی، امید خود را برای جهانی پر از عدالت و دینداری از دست ندهند و بدانند همه این حوادث تلخ و ناگوار را بزرگان دین پیشگویی کرده اند و امام مهدی (عج) در چنین فضای تاریک و سختی، قیام خود را آغاز خواهد نمود.

حاکم نیشابوری، اوضاع سخت آخرالزمان را از زبان امیر مؤمنان (علیه السلام) چنین به تصویر کشیده است:

ص: 42

---

1- . احتیاء نوعی نشستن است که در آن فرد، پاهایش را به شکمش می چسباند و با لباسش آنها را به پشتش می بندد. گاهی هم به جای بستن با لباس، با دست هایش دور پاها را می گیرد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْمَهْدِيِّ فَقَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ... ذَاكَ يُخْرَجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِذَا قَالَ الرَّجُلُ اللَّهُ فُتِلَ... (1)

جناب محمد بن حنفیه می گوید نزد حضرت علی (علیه السلام) بودیم. مردی از ایشان درباره امام مهدی (عج) سؤال کرد. امام علی (علیه السلام) فرمود: «او در آخر الزمان خروج می کند؛ هنگامی که اگر مردی بگوید الله الله، کشته می شود».

دکتر بستوی اعتبار سند حدیث را بررسی و ثابت کرده است. (2) از این حدیث و احادیث مشابه آن معلوم می شود که در دوران نزدیک به قیام امام مهدی (عج)، مردم خداپرست، وضع بسیار دشواری خواهند داشت؛ به گونه ای که اگر نام خدا را بر زبان آورند، کشته می شوند.

«نعمانی» از عالمان شیعه نیز از زبان امیر مؤمنان (علیه السلام) به وصف بیشتر این دوران پرداخته و چنین نقل کرده است:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ (عج) مَوْتُ أَحْمَرَ وَ مَوْتُ أَبْيَضُ وَ جَرَادٌ فِي حِينِهِ وَ جَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ أَحْمَرٌ كَالدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَبِالسَّيْفِ وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونَ. (3)

امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: پیش از قیام قائم (عج) مرگ سرخ و مرگ سفید و

ص: 43

1- . المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 4، ص 596. حاکم می نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ وَلَمْ يُخْرِجَاهُ»؛ [التعليق من تلخيص الذهبي] على شرط البخاري و مسلم. «این حدیث با شرایط حدیث صحیح بخاری و مسلم مطابق است. ولی آن دو، این حدیث را ذکر نکرده اند». ذهبی نیز گفته است که بنابر شرایط بخاری و مسلم حدیث صحیح است.

2- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 208.

3- . الغيبة للنعماني، ص 277. [1]

ملخی در فصل آن و ملخی در غیر فصلش، سرخ رنگ، همانند خون خواهد بود، و اما مرگ سرخ با شمشیر است و مرگ سفید، همان طاعون است.

همچنین امام صادق (علیه السلام) دوران نزدیک به قیام امام مهدی (عج) را با تفصیل بیشتری در قالب تفسیر یک آیه، چنین نقل می کند:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) أَنَّهُ قَالَ إِنَّ قُدَّامَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ بَلَوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ وَمَا هِيَ؟ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (وَلَنَبِّئَنَّاكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (بقره: 155)

قَالَ (لَنَبِّئَنَّاكُمْ) يَعْنِي الْمُؤْمِنِينَ (بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ) مِنْ مُلُوكِ بَنِي فُلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ (وَالْجُوعِ) بِغَلَاءِ أَسْعَارِهِمْ (وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ) فَسَادِ التَّجَارَاتِ وَقِلَّةِ الْفُضْلِ فِيهَا (وَالْأَنْفُسِ) قَالَ مَوْتُ ذَرِيعٍ (1) (وَالثَّمَرَاتِ) قَلَّةُ رَبْعٍ مَا يُزْرَعُ وَقِلَّةُ بَرَكَهِ الثَّمَارِ (وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) عِنْدَ ذَلِكَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ (عج) ثُمَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذَا تَأْوِيلُهُ. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: (وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ) (آل عمران: 7). (2)

«محمد بن مسلم» از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که آن حضرت فرمود: «همانا پیش از قیام قائم (عج) نشانه هایی است که آزمایشی از خداوند متعال برای بندگان با ایمان است». عرض کردم: «آن آزمایش چیست؟» فرمود: «همان فرمایش خدای عزوجل است که

ص: 44

1- «الموت الذريع أى فاش أو سريع»؛ «مرگ ذریع، یعنی مرگ شایع یا سریع».

2- . الغيبة نعماني، ص 250. [1]

می فرماید: ( وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ )؛ «به یقین، همه شما را با اموری همچون ترس، گرسنگی و کاهش در مال ها و جان ها و میوه ها آزمایش می کنیم و بشارت ده به صابران». آن حضرت فرمود: «به یقین همه شما را آزمایش می کنیم»؛ یعنی مؤمنان را «با اموری همچون ترس» از پادشاهان فلان خاندان در پایان سلطنتشان، «و گرسنگی» با گرانی نرخ هایشان، «و کاستی در مال ها»؛ یعنی خراب شدن بازرگانی و کم شدن رشد و سود در آن، «و جان ها»؛ یعنی مرگ زیاد و زود، «و میوه ها»؛ یعنی کم شدن باروری آنچه کاشته می شود و کمبود برکت میوه ها «و بشارت ده به صابران» در آن هنگام به خروج قائم (عج). سپس به من فرمود: «ای محمد! این تأویل آن است. همانا خدای عزوجل می فرماید: و تأویل آن را جز خدا و پایداران در علم، کسی نمی داند».

هر چند در منابع روایی فریقین، احادیث فراوانی وجود دارد که اوصاف دقیق آن دوران را بیان کرده است، (1) اما چون ما به دنبال بیان تفصیلی نیستیم، به همین مقدار بسنده می کنیم. مهم، فهم این مطلب است که احادیث فریقین، تصویر یکسانی از آن دوران را ارائه داده اند.

از نکات درخور دقت در احادیث فریقین، فراوان شدن فریب و نیرنگ در این دوران است 2 که نشان می دهد مؤمنان عصر قیام و

ص: 45

---

1- . ر. ک: کافی، ج 8، ص 36؛ المعجم الأوسط، ج 5، ص 127.

آخرالزمان باید هوشیار و آگاه باشند تا فریب نیرنگ بازان را نخورند و به نام دین، در دام دشمنان دین گرفتار نیایند.

ص: 46

پنجمین نقطه اشتراک احادیث شیعه و سنی در مباحث قیام امام مهدی (عج)، وقایع و اتفاقاتی است که قبل از قیام امام (عج) رخ می دهد. روایات سنی از این اتفاقات، معمولاً با واژه علامت یا نشانه تعبیر نکرده اند. بلکه تنها از وقوع این رخدادها قبل از قیام خبر داده اند. اما در احادیث شیعه به علامت بودن آنها برای قیام و خروج امام (علیه السلام) تصریح شده است؛ برای نمونه در روایتی، شیخ صدوق از امام باقر (علیه السلام) چنین نقل می کند:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ الطَّحَّانِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (عليهما السلام) وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْقَائِمِ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ لِي مُبْتَدِئًا يَا مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ... وَإِنَّ مِنْ عِلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجَ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ وَ صَيْحَةَ مِنَ السَّمَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مُنَادٍ يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ. (1)

محمد بن مسلم می گوید: بر امام باقر (علیه السلام) وارد شدم و می خواستم از قائم آل محمد (صلى الله عليه وآله) پرسش کنم. امام باقر (علیه السلام) پیش از آنکه سؤال کنم، فرمود: ای محمد بن مسلم!... و از علامت های خروج او: خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمن و صیحه ای از آسمان در ماه رمضان و ندا دهنده ای که از آسمان به نام او و نام پدرش ندا می دهد.

در روایت دیگری که شیخ صدوق از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده، به حتمی و قطعی بودن این نشانه ها تصریح شده است:

ص: 47

عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ (عج) خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتُمَاتٍ الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالصَّبِيحَةُ  
وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْحَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ. (1)

عمر بن حنظله می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: قبل از قیام قائم (عج)، پنج نشانه حتمی وجود دارد: [خروج] یمانی و [خروج] سفیانی و صبیحه و کشته شدن نفس زکیه و فرو رفتن در بیداء.

البته احادیث سنی بحثی با عنوان اشراط الساعة (نشانه های قیامت) دارند و قیام امام مهدی (عج) را یکی از نشانه های قیامت می دانند. (2) اما چنین نیست که برای قیام امام نیز نشانه هایی بیان کنند. به هر حال با مراجعه به روایات فریقین، روشن می شود که ائمه (علیهم السلام)، مسلمانان را از وقوع چنین حوادثی قبل از قیام امام مهدی (عج) آگاه کرده اند. بیشتر این رخدادها و نشانه ها در احادیث شیعه و سنی مشترک است. در ادامه، سه مورد از این نشانه ها بیان می گردد:

### الف) پرچم های سیاه

یکی از رخدادهای مشترک میان فریقین که قبل از قیام امام مهدی (عج) واقع می شود و احادیث متعددی از شیعه و سنی به بیان آن پرداخته است، آمدن گروهی از مشرق (خراسان) با پرچم های سیاه است. ابن ماجه از عالمان برجسته اهل تسنن این واقعه را چنین نقل کرده است:

عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقْتَتِلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ

ص: 48

1- . کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 650. [1]

2- . شرح سنن أبی داوود للعباد، شماره 482، ص 1؛ شرح سنن أبی داوود [482]، ظهور المهدی علامه من علامات الساعة.

ابْنُ خَلِيفَةٍ ثُمَّ لَا يَصِيرُ إِلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَطَّلَعَ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَمْ يُقْتَلْهُ قَوْمٌ ثُمَّ ذَكَرَ شَيْئًا لَا أَحْفَظُهُ فَقَالَ فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايَعُوهُ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى التَّلَجِّ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ. (1)

ثوبان نقل می کند که رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: نزد گنج شما سه کس می جنگند که هر سه، پسر خلیفه هستند. سپس گنج به هیچ کدام از آنها نمی رسد. بعد پرچم های سیاه از سمت مشرق برآید و شما را بکشد؛ چنان کشتنی که به مانند آن، قومی کشته نشده باشند. بعد چیزی فرمود که آن را حفظ نکردم. بعد فرمود: پس هنگامی که او را دیدید، با او بیعت کنید؛ هر چند با خزیدن روی برف باشد؛ زیرا او خلیفه خدا مهدی (عج) است.

بستوی یازده منبع از منابع حدیثی اهل سنت که این حدیث را نقل کرده اند، معرفی کرده است. (2) همچنین پاسخ کسانی که سند حدیث را ضعیف خوانده اند، داده و ضمن اثبات صحت سند حدیث، اسامی کسانی که سند این حدیث را صحیح می دانند، نقل کرده است. (3) «ابن جوزی» نیز این مطلب را چنین ذکر کرده است:

ص: 49

1- . سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1367. محمد فؤاد عبدالباقي در تعليق خود آورده است که در کتاب زوائد گفته است سند این حدیث، صحیح است و راویان آن ثقه اند. حاکم نیشابوری نیز در مستدرک، این حدیث را آورده و گفته است که حدیث بنا به شرط بخاری و مسلم صحیح است. محمد فؤاد نیز در شرح، درباره (کنزکم) می گوید که ابن کثیر گفته ظاهر این است که مراد از کنز، گنج کعبه است. آلبانی حکم به ضعیف بودن این حدیث کرده است.

2- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، صص 184-187.

3- . همان، ص 191. [1]



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): إِذَا أَقْبَلَتِ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَاسَانَ فَانْتُوها فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ [الله] (1) المهدى. (2)

پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: هنگامی که پرچم های سیاه از سوی خراسان روی آورد، به آنها پیوندید؛ زیرا خلیفه [خدا] مهدی (عج) میان آنهاست.

هرچند ابن جوزی این روایت را در کتاب «الموضوعات» آورده است، اما بستوی که از محققان اهل سنت است، سند این حدیث را بررسی کرده و اعتبارش را ثابت می کند. (3)

در منابع حدیثی شیعه نیز مرحوم نعمانی، این واقعه را نقل کرده است و چنین می آورد:

عَنْ دَاوُدَ الدَّجَاجِي (4) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) قَالَ: سُدَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى (فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ) (5) فَقَالَ انْتظروا الفرج من ثلاث قبيل يا أمير المؤمنين وما هنَّ فقال اختلاف أهل الشام بينهم والرايات السود من خراسان والفرجة في شهر رمضان.... (6)

ص: 50

1- . در نسخه چاپ شده، متن عبارت بدین گونه است: «فان فيها خلیفه المهدی» که خطا و اشتباه است.

2- . الموضوعات لابن الجوزی، ج 2، ص 38.

3- . المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحه، ص 161.

4- . محقق کتاب الغیبه نعمانی می گوید: وی «داوود بن ابی داوود دجاجی» است که در کتاب «منهج المقال» استرآبادی عنوان شده است از اصحاب امام باقر (علیه السلام) است و «معمر بن یحیی عجلی کوفی» از وی روایت می کند. او نزد ابوداوود و علامه و نجاشی ثقة است.

5- . مریم: 37. [1]

6- . الغیبه، نعمانی، ص 252. [2]

«داوود دجاجی» از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: از امیر مؤمنان (علیه السلام) سؤال شد درباره فرمایش خدای تعالی: (فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ)؛ «گروه‌هایی از میان آنها اختلاف کردند»، فرمود: «از پدید آمدن سه چیز، منتظر فرج باشید». گفته شد: «ای امیر مؤمنان آنها کدام اند؟» فرمود: «اختلاف اهل شام در میان خود، [ظاهر شدن] پرچم‌های سیاه از خراسان و وحشتی در ماه رمضان».

شیخ طوسی از علمای شیعه نیز این جریان را با تفصیل بیشتری نقل کرده است:

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: تَنْزِلُ الرَّايَاتُ السُّودُ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ خُرَّاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ (عَج) بَعَثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ. (1)

امام باقر (علیه السلام) فرمود: پرچم‌های سیاه فرو آیند تا از خراسان به سمت کوفه خروج کنند. هنگامی که امام مهدی (عج) ظهور کرد، برای بیعت به سوی ایشان به پا خیزند.

تذکر مطلبی مهم درباره پرچم‌های سیاه، ضروری است. برخی گمان کرده اند منظور از پرچم‌های سیاه، قیام ابومسلم خراسانی و برپایی حکومت بنی عباس است و ربطی به نشانه‌های خروج امام مهدی (عج) ندارد؛ درحالی که این تصور، گمان باطلی است و حتی اهل سنت نیز در شرح این احادیث، این احتمال را رد کرده اند. (2)

ص: 51

---

1- الغیبه، شیخ طوسی، ص 452.

2- المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحه، ص 192. ابن کثیر می گوید: این پرچم‌ها، پرچم‌هایی نیستند که ابومسلم خراسانی با آنها آمد و در سال 132هـ- ق دولت بنی امیه را

رخداد مهم دیگری که روایات متعددی از فریقین به آن اشاره کرده اند، جریان فرورفتن سرزمین پیدا، کنار شهر مدینه منوره است که موجب از بین رفتن یکی از سپاه های مجهز دشمن می شود. «سفیانی» پس از تصرف شام، دو سپاه عظیم برای مبارزه با امام مهدی (عج) آماده می کند. یکی را به کوفه و دیگری را به مدینه می فرستد. سپاهی که راهی مدینه می شود پس از غارت و ویران کردن مدینه، قصد حرکت به مکه مکرمه را دارد و این در زمانی است که امام مهدی (عج) در مکه حضور دارد. وقتی سپاه دشمن بعد از خروج از مدینه به سرزمین پیدا می رسد،

ص: 52

---

1- . خسف به معنای فرورفتن و «پیدا» نام منطقه ای اطراف مدینه است.

به امر الهی به گونه ای معجزه آسا زمین بیدار می رود و سپاه سفیانی را با خود به درون زمین می کشد و به این صورت، سپاه بزرگی که کسی را یارای مقابله با آن نبود، به غضب الهی گرفتار می شود و از بین می رود. از این اتفاق بزرگ در احادیث شیعه و سنی به «خسف بیدا» تعبیر شده است که یکی از نشانه های قطعی قبل از خروج امام مهدی (عج) است. مسلم نیشابوری در کتاب صحیح خود در این باره چنین آورده است:

عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْقُبَيْطِيِّ قَالَ دَخَلَ الْحَارِثُ بْنُ أَبِي رَبِيعَةَ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَفْوَانَ وَأَنَا مَعَهُمَا عَلَى أُمَّ سَلَمَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ فَسَأَلَاهَا عَنِ الْجَيْشِ الَّذِي يُخَسَفُ بِهِ وَكَانَ ذَلِكَ فِي أَيَّامِ ابْنِ الزُّبَيْرِ فَقَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): يَعُودُ عَائِدٌ بِالْبَيْتِ فَيُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْثٌ فَإِذَا كَانُوا بَيْنَدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ خَسَفَ بِهِمْ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ بَمَنْ كَانَ كَارِهَا قَالَ يُخَسَفُ بِهِ مَعَهُمْ وَ لَكِنَّهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نِسْتِهِ وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ هِيَ بَيْنَدَاءُ الْمَدِينَةِ. (1)

ص: 53

1- . صحیح مسلم، ج 4، ص 2208: در شرح محمد فؤاد عبدالباقی برای عبارت «أم سلمة ام المؤمنین» آمده است که «قاضی عیاض» از «ابو الولید کتانی» نقل کرده است که این مطلب، صحیح نیست؛ زیرا ام سلمه در دوران خلافت معاویه و دو سال پیش از مرگ معاویه در سال 95 از دنیا رفته بود و [خلافت] ابن زبیر را ندیده بود. قاضی می گوید: گفته شده ام سلمه در اوایل خلافت یزید بن معاویه از دنیا رفته است. بنابر این قول، این مطلب درست خواهد بود؛ زیرا ابن زبیر در همان اول که بعد از مرگ معاویه خبر بیعت به او رسید، با یزید وارد نزاع شد. این مطلب را طبری و دیگران نقل کرده اند. از کسانی که رحلت ام سلمه را در دوران [خلافت] یزید ذکر کرده است، «ابوعمر بن عبدالبر» در استیعاب است. مسلم، حدیث را بعد از این روایت، از روایت حفصه نقل می کند و می گوید از ام المؤمنین و نام وی را نمی برد. «دارقطنی» می گوید وی عایشه است و «سالم ابن ابی الجعد» از «حفصه» یا ام سلمه آن را نقل کرده است و گفته حدیث از ام سلمه و از حفصه محفوظ است. این پایان کلام قاضی است. از کسانی که وفات ام سلمه را در دوران یزید ذکر کرده اند، «ابوبکر بن ابی خیثمه» است. در شرح «بیداء المدینه» آورده است: «دانشمندان گفته اند بیدا هر زمین صافی که چیزی در آن نباشد است و بیدای مدینه بلندی قبل از ذوالحلیفه است؛ یعنی به طرف مکه».

«عبیدالله» می گوید: حارث بن ابی ربیع و عبدالله بن صفوان در ایام [خلافت] ابن زبیر از ام المؤمنین ام سلمه درباره سپاهی که به زمین فرو می رود، سؤال کردند. ایشان گفت که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «پناهنده ای به خانه خدا پناه می برد. پس به سوی او برانگیخته ای، برانگیخته می شود. پس هنگامی که به سرزمین بیداء، می رسند، فرو برده می شوند». گفتیم: «یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) [این حادثه] چگونه خواهد بود درباره کسی که ناراضی است؟» فرمود: «با آنها فرو برده می شود. اما روز قیامت بر نیت خود برانگیخته می شود» و ابوجعفر گفت: «آن بیدای مدینه است».

بخاری در نقل دیگری در کتاب صحیح خود که معتبرترین منبع حدیثی اهل سنت است، چنین آورده است:

عَنْ نَافِعِ بْنِ جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَائِشَةُ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَغْزُو جَيْشُ الْكَعْبَةِ فَإِذَا كَانُوا بِبَيْدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ يُخَسَفُ بِأَوْلِيهِمْ وَآخِرِهِمْ قَالَتْ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَيْفَ يُخَسَفُ بِأَوْلِيهِمْ وَآخِرِهِمْ وَفِيهِمْ أَسْوَاقُهُمْ وَمَنْ لَيْسَ مِنْهُمْ قَالَ يُخَسَفُ بِأَوْلِيهِمْ وَآخِرِهِمْ ثُمَّ يُبْعَثُونَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ. (1)

ص: 54

---

1- صحیح البخاری، ج 3، ص 65: [تعلیق مصطفی البغا]: «(بیداء) الصحراء التي لا شيء فيها. (يخسف) تغور بهم الأرض. (أسواقهم) أهل أسواقهم الذين يبيعون ويشترون ولم يقصدوا الغزو. (يبعثون) يوم القيامة. (على نياتهم) يحاسب كل منهم بحسب قصده»؛ [در تعلیق مصطفی البغا آمده است: بیداء یعنی صحرائی که چیزی در آن نیست. یخسف، یعنی زمین، آنها را فرو می برد. منظور از اسواقهم، اهل اسواقهم است؛ یعنی کسانی که خرید و فروش می کنند و قصد جنگ نکرده اند. برانگیخته می شوند؛ یعنی در قیامت. بر نیت هایشان؛ یعنی هر یک از آنها به حسب قصد و نیت خویش حساب و کتاب می شود».

عایشه می گوید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: سپاهی با کعبه می جنگند. پس هنگامی که به سرزمین بیداء می رسند، اول و آخرشان فرو برده می شوند. عایشه می گوید گفتم: «یا رسول الله چگونه اول و آخرشان فرو برده می شوند؛ در حالی که میان آنان بازاریان (کسانی که برای تجارت آمده اند، نه جنگیدن) و کسانی که از آنان نیستند وجود دارد؟» فرمود: «اول و آخرشان فرو برده می شود. سپس بر نیت هایشان برانگیخته می شوند».

دکتر بستوی می نویسد بعد از نقل مسلم و بخاری، شکی در صحت سند این حدیث نیست. اما دلیل روشنی در دست نیست که این جریان مربوط به دوران ظهور و دشمن امام مهدی (عج) باشد. (1)

ص: 55

1- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 339. نویسنده کتاب می نویسد: بعد از اتفاق مسلم و بخاری در نقل این حدیث و نقل آن با سندهای فراوان از امامان حدیث، دیگر به بحث از روایان حدیث نیازی نیست؛ زیرا شکی در صحت حدیث باقی نمانده است. اما بحث در این است که ربط آن به احادیث مهدویت چیست؟ وقتی به متن حدیث نگاه می کنیم در نگاه ابتدایی ربطی به حضرت مهدی نمی یابیم. اما امام ابوداؤد این حدیث را در باب مهدی آورده است. ابن حبان در کتاب صحیح خود، حدیثی از ام سلمه نقل کرده است که شامل جریان سپاه خسف است و عنوان این حدیث را چنین قرار داده است: ذکر خبر صریح در اینکه گروهی که در زمین فرو می روند کسانی اند که قصد حضرت مهدی را کرده اند تا حکومت را از ایشان بگیرند. با نگاه به متن حدیث گمان صحت آنچه ابن حبان گفته، تقویت می شود؛ زیرا شامل برخی قرینه ها و اوصافی است که مربوط به حضرت مهدی است؛ مانند هفت سال باقی ماندن و زنده کردن شریعت اسلام و قرائن دیگر. اما سند آن حدیث، ضعیف است. بنابراین نمی توان به آن اعتماد کرد. از این رو ندیدیم امامان دیگر، این حدیث را بر مهدی حمل کنند و آن را در باب مهدی بیاورند. در آنجا اقوال دیگری در تعیین آن سپاه وجود دارد. «حافظ ابن حجر» در «فتح الباری» گفته است: «و ابن القین می گوید ممکن است این سپاهی که در زمین فرو می رود کسانی باشند که کعبه را تخریب می کنند. از آنها انتقام گرفته می شود. بنابراین در زمین فرو برده می شوند» و ادامه داده با این مطلب که در برخی از نقل های مسلم آمده است: «مردمی از امت

چنان که ملاحظه می شود خلاصه این واقعه مهم در کتاب های اهل تسنن آمده است. اما همین جریان به صورت تفصیلی، در روایات شیعه نقل گردیده و تصریح شده است که خسف برای گروهی رخ خواهد داد که به جنگ امام مهدی (عج) می روند. بنابراین در نقل های شیعه شکی وجود ندارد که این واقعه مربوط به دوران قیام امام مهدی (عج) است.

نعمانی محدث شیعه، در کتاب حدیثی خویش چنین نقل می کند:

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ (عليهما السلام) يَا جَابِرُ الزَّمِ الْأَرْضَ وَلَا تُحَرِّكْ يَدًا وَلَا رِجْلًا حَتَّى تَرَى عِلَامَاتٍ أَذْكُرُهَا لَكَ إِنْ أَدْرَكْتَهَا أَوْ لَهَا اخْتِلَافٌ بَيْنِ الْعَبَّاسِ وَمَا أَرَاكَ تُدْرِكُ ذَلِكَ وَلَكِنْ حَدَّثَ بِهِ مَنْ بَعْدِي عَنِّي... فَأَوَّلُ أَرْضٍ تَخْرُبُ أَرْضُ الشَّامِ (1) ثُمَّ يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَايَاتٍ رَأَيْهِ

ص: 56

---

1- . در برخی نسخه ها آمده «فأول أرض المغرب أرض الشام». این حدیث را عیاشی در تفسیرش نقل کرده و در آنجا چنین است: «أول أرض المغرب تخرب أرض الشام». در کتاب اختصاص شیخ مفید نیز همین گونه است.

الأَصْهَبِ وَرَأَيْهِ الْآبِقِعَ وَرَأَيْهِ السُّفْيَانِيَّ فَيَلْتَقِي السُّفْيَانِيَّ بِالْأَبِقِعِ فَيَقْتَتِلُونَ فَيَمْتَلِئُ السُّفْيَانِيُّ وَمَنْ تَبِعَهُ ثُمَّ يَمْتَلُ الْأَصْهَبُ... وَبِئَعْتُ السُّفْيَانِيَّ بَعَثًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَنْفِرُ الْمَهْدِيُّ مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ فَيَبْلُغُ أَمِيرَ جَيْشِ السُّفْيَانِيَّ أَنَّ الْمَهْدِيَّ قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشًا عَلَى أَثَرِهِ فَلَا يُدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (عليه السلام) قَالَ فَيَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيَّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمِ (1) فَيُخَسِفُ بِهِمْ فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةٌ نَفَرٌ يُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهَهُمْ إِلَى أَقْفَيْتِهِمْ وَهُمْ مِنْ كُلِّ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا) (النساء: 47) الْآيَةُ. (2)

جابر بن یزید جعفی می گوید که امام باقر فرمود: «ای جابر! بر زمین بنشین (خانه نشین باش) و دست و پای نجبان (فعالیتی نکن) تا نشانه هایی را که برایت یاد می کنم، ببینی. اگر بدان برسی (اگر عمرت به درازا بکشد و بتوانی آن علائم را ببینی) نخستین آنها اختلاف بنی عباس است و گمان نمی کنم که آن را دریابی [پیش از این اتفاق از دنیا می روی]. ولی پس از من، آن را از من روایت کن... پس نخستین سرزمینی که ویران می شود، سرزمین شام است. سپس در آن هنگام بین آنان اختلاف می افتد و سه پرچم می گردند: پرچم أصهَب و پرچم أبِقِع و پرچم سفیانی. پس سفیانی با ابقع برخورد می کند و به جنگ می پردازند و سفیانی او و هرکس را که

ص: 57

1- . أباده أى أهلكه، وفى نسخه (یا بیداء بیدی القوم).

2- . الغيبة نعمانی، ص 279. [1]



از او پیروی کند، می کشد. سپس اَصْهَب را می کشد... و سفیانی گروهی را به مدینه روانه می کند و مهدی (عج) از آنجا به مکه رهسپار می شود. پس خبر به فرمانده سپاه سفیانی می رسد که مهدی (عج) به جانب مکه بیرون شده است. پس لشکری از پی او روانه می کند. ولی او را نمی یابد؛ تا اینکه مهدی (عج) با حالت ترس و نگرانی همانند روشی که موسی بن عمران داشت، داخل مکه می شود. آن حضرت فرمود: فرمانده سپاه سفیانی در «بیداء» فرو می رود. پس آوازدهنده ای از آسمان ندا می دهد: «ای بیداء! آن قوم را نابود ساز». پس دشت، آنان را به درون خود می برد و هیچ یک از آنان نجات نمی یابد؛ مگر سه نفر که خداوند رویشان را به پشت آنان برمی گرداند و آنان از قبیله کلب هستند و این آیه درباره آنان نازل شده است: «ای کسانی که کتاب آسمانی به شما داده شده! به آنچه [بر پیامبر خود] نازل کردیم (قرآن) و هماهنگ با نشانه هایی است که با شماست، ایمان بیاورید؛ پیش از آنکه صورت [انسانی] گروهی را محو کنیم. سپس به پشت سر بازگردانیم» تا آخر آیه.

چنان که ملاحظه می شود جریان خسف بیداء (فرو رفتن سرزمین بیداء) واقعه ای است که احادیث شیعه و سنی آن را بیان کرده اند و در وقوع آن برای دشمنان امام مهدی (عج) اتفاق نظر دارند.

### ج) قتل نفس زکیه

سومین رخدادی را که در بحث از نشانه ها و وقایع قبل از قیام امام مهدی (عج) جزء مشترکات روایات شیعه و سنی می توان شمرد، «قتل نفس زکیه» (1) است.

«ابن ابی شیبه» از نویسندگان اولیه احادیث اهل تسنن چنین نقل می کند:

ص: 58

---

1- . زکیه به معنای پاک و بی گناه است؛ یعنی کشته شدن فردی پاک و بی گناه.

حَدَّثَنِي فُلَانٌ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) أَنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تَقْتَلَ النَّفْسَ الزَّكِيَّةَ فَإِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ غَضِبَ عَلَيْهِمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ فَأَتَى النَّاسَ الْمَهْدِيُّ فَرَفُوهُ كَمَا تُرْفُ الْعُرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا لَيْلَةَ عُرْسِهَا وَهُوَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا... (1).

یکی از اصحاب پیامبر (صلى الله عليه وآله) برای من روایت کرد: امام مهدی (عج) خروج نمی کند تا آنکه نفس زکیه کشته شود. هنگامی که نفس زکیه کشته شد، هرکه در آسمان و زمین است بر آنان خشم می گیرد. پس امام مهدی (عج) به سوی مردم می آید و مردم او را همراهی می کنند؛ همان گونه که عروس در شب عروسی به سمت همسرش همراهی می شود، و او زمین را از عدل و داد پر می نماید.

دکتر بستوی اعتبار سند این نقل را نزد اهل تسنن ثابت کرده است. (2) اما برخی از نویسندگان اهل سنت گمان کرده اند که این نقل، اعتبار ندارد و حدیث نفس زکیه را گروهی از هاشمی ها جعل کرده اند. (3) اما دکتر

ص: 59

1- . مصنف ابن ابی شیبیه، ج 7، ص 514.

2- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 214. وی می نویسد: هرچند این نقل از برخی صحابه به صورت مرسل (بدون استناد به پیامبر (صلى الله عليه وآله)) نقل شده است، اما تصریح کرده که حدیث است. [نشان می دهد از پیامبر شنیده است]. سند حدیث، صحیح است. راویان همه ثقه اند و مجاهد در اینجا تصریح به اسم صحابی نکرده است. اما وی از گروهی از صحابه شنیده است.

3- . سلسله الأحاديث الضعيفة والموضوعه وأثرها السيئ في الأمة، آلبانی، ج 5، ص 177. آلبانی می نویسد: نفس زکیه لقب «محمد بن عبدالله بن حسن هاشمی» است. گفته شده اهل بیت وی، او را مهدی نامیدند. بعید نیست این حدیث، جعل برخی از پیروان و یاران او باشد؛ وقتی که او زنده بود تا دشمنانش را بترسانند یا بعد از مرگ وی. ابوجعفر منصور او را کشت؛ وقتی علیه او در مدینه خروج کرد. وی عیسی بن موسی را فرستاد و وی را کشت. خدا رحمتش کند و با ظالمان چنان که استحقاق آن را دارند برخورد کند.

بستوی، پاسخ این اشکال را می دهد و معتقد به نشانه قیام بودن آن است و می نویسد شاید وجود همین حدیث باعث شده است تا آن گروه، نام نفس زکیه را برای رهبر خود برگزینند. (1)

در احادیث شیعه، اطلاعات بیشتری از قتل نفس زکیه وجود دارد: نخست اینکه این رخداد، بسیار نزدیک به زمان قیام امام مهدی (عج) است. شیخ صدوق از نویسندگان بزرگ شیعه در این باره نقل می کند:

... عَنْ صَالِحِ مَوْلَى بَنِي الْعَدْرَاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً. (2)

صالح مولی بن عدراء می گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود:

ص: 60

1- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 214. نویسنده می نویسد: برزنجی می گوید: این نفس زکیه غیر از نفس زکیه ای است که در زمان منصور عباسی به دست موسی بن عیسی عموی منصور کشته شد. گویم شاید این لقب به او داده شد به دلیل نقل این کلمه در این حدیث؛ همان گونه که ملقب به مهدی شد به آرزوی اینکه او شود همان کسی که به او بشارت داده شده است و ظاهر این است که این کلمه در این حدیث، به معنای لغوی آن وارد شده است و شخص خاصی قصد نشده است؛ همان گونه که خداوند در سوره کهف می فرماید: «گفت آیا شخص بی گناهی را کشتی بدون آنکه کسی را کشته باشد»؟ این معنا موافق می شود با احادیث دیگری که دلالت می کند بر اینکه ظهور حضرت مهدی بعد از پر شدن زمین از ظلم و ستم واقع می شود و هماهنگ می شود با حدیث حضرت علی (علیه السلام) که پیش از این گذشت که حضرت مهدی در آخرالزمان خروج می کند؛ وقتی که مرد می گوید الله الله، کشته می شود؛ یعنی در آن روزگار، خشونت خاصی علیه مؤمنان خواهد بود؛ همان گونه که پیامبر فرمود: «بر مردم زمانی می آید که صبرکننده بر دینش، همانند کسی است که زغال افروخته را در کف دست گرفته است».

2- . کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 649. [1]

میان قیام قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) و کشته شدن نفس زکیه، فاصله ای نیست مگر پانزده شب.

دوم اینکه نفس زکیه جوانی از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نامش «محمد بن حسن» است. محل شهادتش نیز در مسجد الحرام است. شیخ صدوق در روایتی دیگر چنین نقل می کند:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ (عليهما السلام) يَقُولُ الْقَائِمُ مِنَّا ... قَالَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ قَالَ إِذَا ... وَ قَتَلَ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) وَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ. (1)

محمد بن مسلم ثقفی می گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: قائم (عج) از ماست... عرض کردم ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چه زمان قائم شما خروج می کند؟ فرمود: زمانی که... و کشته شدن جوانی از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) میان رکن و مقام که نامش محمد بن حسن نفس زکیه است.

سوم آنکه نفس زکیه از یاران امام مهدی (عج) و فرستاده ایشان به سوی اهل مکه است که به دست مکیان شهید می شود.

«نیلی نجفی» از نویسندگان شیعه در این باره چنین نقل می کند:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ إِلَى أَنْ قَالَ يَقُولُ الْقَائِمُ (عج) لِأَصْحَابِهِ يَا قَوْمِ إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنِي وَ لَكِنِّي مُرْسِلٌ إِلَيْهِمْ لِأَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ بِمَا يَنْبَغِي لِمِثْلِي أَنْ يَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ فَيَدْعُوا رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَيَقُولُ لَهُ امْضِ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ فَقُلْ يَا أَهْلَ مَكَّةَ أَنَا رَسُولُ

ص: 61

فُلَانٍ إِلَيْكُمْ وَهُوَ يَقُولُ لَكُمْ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَمَعْدِنُ الرَّسَالَةِ وَالْخِلَافَةِ وَنَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَسَلَالَةُ النَّبِيِّنَ وَإِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَاصْبَ طَهَدْنَا وَفُهِرْنَا وَابْتَرَّ مِنَّا حَقُّنَا مُنْذُ قُبُصِ نَبِيِّنَا إِلَى يَوْمِنَا هَذَا فَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَانصُرُونَا فَإِذَا تَكَلَّمْتَ هَذَا الْفَتَى بِهَذَا الْكَلَامِ أَتَوْا إِلَيْهِ فَدَبَّحُوهُ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ وَهِيَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ فَإِذَا بَلَغَ ذَلِكَ الْإِمَامَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ أَنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنَا... (1)

امام باقر (علیه السلام) در حدیثی طولانی فرمود: امام قائم (عج) به یارانش می فرماید: ای قوم! اهل مکه مرا نمی خواهند. اما من به سوی آنان می فرستم تا بر آنان احتجاج کنم به چیزی که برای همانند من سزاوار است بر آنان احتجاج کند. پس مردی از یاران خود را می خواند و به او می گوید: «به سوی اهل مکه برو و بگو ای اهل مکه! من فرستاده فلانی به سوی شمایم و او به شما می گوید ما اهل بیت رحمت، کانون رسالت و خلافتیم و ما فرزند محمد (صلی الله علیه و آله) و نسل پیامبرانیم که به ما ظلم و قهر و خشم شده است و از هنگامی که پیامبر ما (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت تا به امروز، حق ما از ما گرفته شد. پس از شما یاری می طلبیم که ما را یاری کنید. هنگامی که جوان این سخن را می گوید، اهل مکه به سراغ او می آیند و میان رکن و مقام، سر او را از تنش جدا می کنند و او نفس زکیه است. وقتی خبر این حادثه دلخراش به امام (عج) می رسد، به یاران خود می فرماید: آیا به شما خبر ندادم اهل مکه ما را نمی خواهند...».

نکته درخور توجه آن است که در روایت اهل سنت، به کشته شدن نفس زکیه به دست اهل مکه تصریح نشده است؛ هرچند در برخی

ص: 62

نقل های آنها همین مطالب آمده است. (1) اما در منبع شیعی تصریح شده است که وی فرستاده امام می باشد و اهل مکه به جای فرمانبرداری، وی را می کشند.

## 6. یاران قیام

### اشاره

ششمین مورد مشترک احادیث فریقین در این فصل، موضوع یاران امام مهدی (عج) است. شناخت ویژگی یاران امام، بسیار پراهمیت است؛ زیرا بار انقلاب جهانی امام (عج) بر دوش آنان است و هرکس بخواهد خود را برای یاری امام آماده نماید، باید در اوصاف و حالات آنان دقت کند و سنخیتی میان خود و آنها ایجاد نماید. ما در اینجا به چند نکته درباره یاران امام مهدی (عج) اشاره می کنیم:

### الف) تعداد یاران

براساس احادیث شیعه و سنی، تعداد یاران امام، به تعداد یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جنگ بدر است؛ جنگی که بسیار سخت و سرنوشت ساز بود. بی شک جنگ بدر، نشانگر رشادت وصف ناپذیر یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) در دفاع از حریم دین است. همچنین براساس برخی روایات، تعداد یاران امام مهدی (عج)، به تعداد یاران حضرت طالوت است؛ کسانی که در راه جنگ با جالوت، امتحانی سخت را کنار رودخانه پشت سر

ص: 63

---

1- . الفتن، نعیم بن حماد، ج 1، ص 339: « [1] عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: إِذَا قُتِلَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ وَ أَخُوهُ يُقْتَلُ بِمَكَّةَ ضَيْعَةً نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ، وَ ذَلِكَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ حَقًّا وَ عَدْلًا»؛ «عمار یاسر می گوید: هنگامی که نفس زکیه و برادرش کشته شوند، در مکه بی کس کشته می شود؛ منادی از آسمان ندا می دهد: همانا امیر شما فلانی است و آن حضرت مهدی است که زمین را پر از حق و عدل می کند».

حاکم نیشابوری از محدثان اهل تسنن چنین آورده است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْمَهْدِيِّ فَقَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: ... فَيَجْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ قَوْمًا فَرَعَا (2) كَفَرَعَ السَّحَابِ يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَى أَحَدٍ (3) وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ يَدْخُلُ فِيهِمْ عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ بَدْرٍ لَمْ يَسْتَبْقِهِمُ الْأَوْلُونَ وَلَا يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ وَعَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ طَالُوتَ الَّذِينَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهْرَ. (4)

ص: 64

1- . (فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ...)، «و هنگامی که طالوت، سپاهیان را با خود بیرون برد، [به آنها] گفت: خداوند شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می کند. آنها که از آن بنوشند، از من نیستند و آنها که بیشتر از یک پیمانه با دست خود، از آن نخورند، از من هستند. همگی جز عده کمی، از آن نوشیدند...». (بقره: 249) [1]

2- . قرعه به فتح قاف و زاء و عین مثل شجره، یعنی ابر پراکنده. قسمتی از ابر رقیق، مثل اینکه سایه است وقتی از زیر ابر زیاد می گذرد و بیشتر در پاییز وجود دارد. هر چیز پراکنده را قرع گویند. (گردآوری شده از چند لغت نامه).

3- . در کتاب های لغت معنای واژه استوحش وقتی با «الی» به کار می رود، بیان نشده است. اما در بیان معنای واژه «عری الی» از آن استفاده شده که می توان معنای این ترکیب را از آنجا دریافت. لسان العرب، ج 15، ص 51: ( [2] ماده عرا): وَ عُرِيَ إِلَى الشَّيْءِ عَرَوًا: بَاعَهُ ثُمَّ اسْتَوْحَشَ إِلَيْهِ. قَالَ الْأَزْهَرِيُّ: يُقَالُ عُرِيَتُ إِلَى مَالٍ لِي أَشَدَّ الْعُرَوَاءِ إِذَا بَعْتَهُ ثُمَّ تَبِعْتَهُ نَفْسَكَ وَ عُرِيَ هَوَاهُ إِلَى كَذَا أَيْ حَنَّ إِلَيْهِ. از این عبارت می توان استفاده کرد که معنای «لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَى أَحَدٍ»؛ یعنی از نبود کسی، احساس تنهایی نمی کنند. دلشان هوای کسی را نمی کند. دل بستگی به کسی ندارند.

4- . المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 4، ص 596. این حدیثی صحیح است بنابر شرط شیخین؛ درحالی که آن دو، آن را نقل نکرده اند. ذهبی گوید بنابه شرط بخاری و مسلم صحیح است.

محمد بن حنفیه می گوید نزد حضرت علی (علیه السلام) بودیم که مردی درباره امام مهدی (عج) از ایشان سؤال کرد. امام علی (علیه السلام) فرمود: ... خداوند برای او گروهی پراکنده همانند ابرهای پراکنده را جمع می کند. خداوند میان دل های آنان انس و الفت ایجاد می کند. نه از نبود کسی احساس تنهایی و دلتنگی می کنند و نه حضور کسی آنها را خوشحال می کند. میان آنان به تعداد یاران بدر داخل می شوند پیشگامان نخستین بر آنان پیشی نگرفتند و دیگران نیز به آنان نمی رسند و به تعداد یاران طالوت؛ کسانی که با او از رودخانه گذشتند.

دکتر بستوی اعتبار سند حدیث را بررسی و ثابت کرده است. (1) چنان که ملاحظه می شود در این حدیث به عدد یاران امام تصریح نشده است و تنها تعداد آنان، به تعداد یاران بدر و یاران طالوت تشبیه شده است. اما اصحاب بدر چند تن بودند؟ بخاری برجسته ترین محدث اهل سنت، تعداد آنها را به صورت مبهم 310 و خورده ای بیان می کند. (2)

ص: 65

---

1- . المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحه، ص 208: صاحب کتاب می نویسد: با دقت در روایان حدیث روشن می شود روایان همه ثقه اند و ضعف «یونس بن ابی اسحاق» کم است و آسیبی به صحت حدیث نمی زند. حاکم گوید این حدیث بنابر شرط شیخین صحیح است؛ درحالی که آن را نقل نکرده اند. ذهبی درباره این حدیث، سکوت کرده است؛ درحالی که حدیث تنها بنابر نظر مسلم صحیح است؛ زیرا بخاری چیزی از عمار و یونس نقل نکرده است. بنابراین سند حسن است.

2- . صحیح البخاری، ج 5، ص 74: عَنِ الْبِرَاءِ، قَالَ: كُنَّا أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَتَحَدَّثُ: «أَنَّ عِدَّةَ أَصْحَابِ بَدْرٍ عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ طَالُوتَ الَّذِينَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهْرَ وَلَمْ يُجَاوِزْ مَعَهُ إِلَّا مُؤْمِنٌ بِضْعَةَ عَشَرَ وَثَلَاثَ مَائَةٍ»؛ «براء گوید ما یاران پیامبر نقل می کردیم که تعداد یاران بدر به اندازه تعداد یاران طالوت است که با او از نهر گذشتند و با او از نهر نگذشت، مگر افراد مؤمن، [به تعداد] سیصد و ده و خورده ای».



«ابن حجر عسقلانی» در شرح تعداد یاران، اقوال مختلف را بیان می کند که بیانگر اختلاف کمی است. به ظاهر، قول 313 نفر مشهور است. (1)

اما احادیث شیعه، تعداد دقیق یاران امام مهدی (عج) را ذکر کرده است. این روایات، قول مشهور اهل تسنن را تقویت می کند. بنابراین روایات شیعه و اهل سنت در این مورد نیز یکسان است و مطلب مشترکی را بیان می کند. شیخ طوسی از محدثان شیعه نیز این مطلب را از حضرت علی (علیه السلام) چنین نقل کرده است:

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَقُولُ... فَيَبْعَثُ اللَّهُ قَوْمًا مِنْ أَطْرَافِهَا وَيَجِئُونَ قَزَاعًا كَقَزَاعِ الْخَرِيفِ وَاللَّهُ إِنِّي لَا أَعْرِفُهُمْ وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَهُمْ وَقَبَائِلَهُمْ وَأَسْمَ أُمِيرِهِمْ وَمَذَاحَ رِكَابِهِمْ وَهُمْ قَوْمٌ يَحْمِلُهُمُ اللَّهُ كَيْفَ شَاءَ مِنَ الْقَبِيلَةِ الرَّجُلِ وَالرَّجُلِينَ حَتَّى بَلَغَ تِسْعَةَ فَيَتَوَافُونَ مِنَ الْأَهَاقِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ... (2)

ابو بصیر می گوید که از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرمود:... پس خداوند گروهی را از گوشه و کنار دنیا برمی انگیزد. آنان پراکنده می آیند همانند قطعه ابرهای پاییز. به خدا سوگند! من آنها

ص: 66

- 
- 1- . فتح الباری، ابن حجر، ج 7، ص 291. ابن حجر می نویسد: احمد بن حنبل، بزاز و طبرانی حدیث ابن عباس را دارند که اهل بدر 313 نفر بودند و همچنین ابن ابی شیبه و بیهقی از روایت عبیده بن عمر و سلمانی، یکی از بزرگان تابعان، نقل کرده اند و از آنها کسانی اند که [حدیث را] به حضرت علی رسانده اند و این قول نزد ابن اسحاق و گروهی از اهل مغازی (جنگ نامه نویسان) قول مشهور است.
  - 2- . الغیبه، کتاب الغیبه للحجه، شیخ طوسی، ص 477.

را می شناسم و نام هایشان را و قبیله و اسم رهبرشان و محل استقرار مرکب هایشان را می دانم. آنها گروهی اند که خداوند هر طور بخواهد گردآوری می کند و از هر قبیله ای یک یا دو مرد، تا نه مرد را خداوند جمع می کند. پس 313 مرد به تعداد اهل بدر از گوشه گوشه دنیا جمع می شوند....

نعمانی دیگر محدث شیعی نیز تعداد یاران امام مهدی (عج) را از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند:

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ يَا جَابِرُ... فَيَجْمَعُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَصْحَابَهُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَيَجْمَعُهُمُ اللَّهُ لَهُ عَلَيَّ غَيْرِ مِيعَادٍ قَرَعًا كَقَرَعِ الْخَرِيفِ... (1)

جابر بن یزید جعفی می گوید: امام باقر (علیه السلام) [به من] فرمود: ای جابر... خداوند یاران او را که 313 مرد هستند، جمع می کند و خداوند آنان را برایش بدون وعده قبلی گرد می آورد؛ پراکنده همانند ابر پاییز....

گفتنی است که سخن از 313 یار امام، به معنای انحصار یاران در این تعداد نیست؛ زیرا بنابر روایات دیگر، امام مهدی (عج) یاران فراوانی دارد. 2

ص: 67

در واقع 313 نفر، یاران اصلی و فرماندهان لشکر امام هستند 1 و سایر افراد نیز زیر نظر آنان به امام خدمت می کنند.

## ب) محل بیعت

دومین مطلب مشترک احادیث شیعه و سنی در بحث یاران امام مهدی (عج)، محل بیعت آنان با امام است. احادیث فریقین گویای آن است که یاران اصلی امام، یعنی همان 313 تن، در مسجدالحرام، میان رکن حجر الاسود و مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) با امام مهدی (عج) بیعت می کنند. احمد حنبل از محدثان متقدم اهل تسنن در این باره چنین آورده است:

عَنْ سَعِيدِ بْنِ سَمْعَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ يُخْبِرُ أَبَا قَتَادَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ يُبَايِعُ لِرَجُلٍ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ... 2

سعید بن سمعان گوید شنیدم ابوهریره به ابوقتاده خبر می داد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: برای مردی میان رکن و مقام بیعت گرفته می شود....

دکتر بستوی، پنج منبع برای این حدیث نقل می کند و صحت سند آن را ثابت می نماید. 3 نعمانی از محدثان شیعه نیز در کتاب خود، حدیث محل بیعت یاران امام مهدی (عج) را چنین بیان می کند:

ص: 68

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ (عليهما السلام) يَا جَابِرُ... فَيَجْمَعُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَصْحَابَهُ ثَلَاثِينَ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَيَجْمَعُهُمُ اللَّهُ لَهُ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَزَعًا كَفَزَعِ الْخَرِيفِ وَهِيَ يَا جَابِرُ الْأَيَّةُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ (أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (بقره: 148)

فَيَبْأَعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ مَعَهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) فَذُ تَوَارَثَتْهُ الْأَبْنَاءُ عَنِ الْأَبَاءِ... (1)

«جابر بن یزید جعفی» می گوید: امام باقر (علیه السلام) [به من] فرمود: ای جابر... خداوند یارانش را که 313 مرد هستند، جمع می کند و خداوند آنان را برایش بدون وعده قبلی گرد می آورد؛ پراکنده همانند ابر پاییز و ای جابر! این است آیه ای که خداوند در کتابش ذکر کرده است: «هر کجا باشید، خداوند همه شما را می آورد. خداوند بر هر چیزی تواناست». پس میان رکن و مقام با او بیعت می کنند. همراه امام مهدی (عج) پیمانی از پیامبر (صلى الله عليه و آله) هست که فرزندان از پدران، آن را ارث برده اند.

## 7. محل قیام

هفتمین مورد مشترک احادیث شیعه و سنی در بحث قیام امام مهدی (عج)، محل قیام آن حضرت است. منظور از محل قیام، نخستین جایی است که امام خود را برای جهانیان معرفی می کند و یاران امام کنار ایشان حاضر می شوند و آشکارا حرکت امام آغاز می گردد.

براساس احادیث فریقین، محل قیام امام مهدی (عج)، شهر مکه مکرمه

ص: 69

و از داخل مسجد الحرام است. امام در آغاز حرکت و خروج خویش، کنار کعبه می ایستد و یاران با ایشان بیعت می نمایند. در این باره، اختلافی میان روایات فرق مختلف اسلامی وجود ندارد.

افزون بر این، روایات شیعه، بیت الحرام و کعبه را محل خروج امام مهدی (عج) دانسته است. این تصریح، دست کم در روایات معتبر اهل سنت دیده نمی شود. نعمانی در قسمتی از روایتی که در «محل بیعت» گذشت، تصریح می کند:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ (عليهما السلام) يَا جَابِرٌ... الْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِيرًا بِهِ. (1)

امام باقر (علیه السلام) فرمود: ای جابر... قائم (عج) در آن هنگام، در مکه است و به کعبه تکیه داده است تا پناه او باشد.

شیخ صدوق نیز در روایتی که در نشانه های قیام «قتل نفس زکیه» گذشت، نقل می کند:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ (عليهما السلام) يَقُولُ: ... فَعِندَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا. (2)

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود: و آن هنگام، خروج قائم ما (عج) خواهد بود. پس زمانی که خروج کند، بر کعبه تکیه کند و 313 مرد دورش جمع شوند.

نکته درخور توجه آن است که روایات شیعه و سنی در محل قیام امام توافق نظر دارند و حتی احادیث شیعه، به خروج امام از بیت الله

ص: 70

1- . الغيبة، نعمانی، ص 279. [1]

2- . کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 330. [2]

الحرام و کعبه تصریح کرده اند. اما با این حال، مخالفان مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، تهمت و افترا به شیعه می زنند که آنان معتقدند امام مهدی (عج) از شهر سامرا و کشور عراق خروج خواهد کرد؛ (1) در حالی که شیعه نه تنها حدیثی در این باره نقل نکرده است، بلکه دانشمندان شیعه نیز چنین عقیده ای ابراز ننموده اند. تهمت زندگان نیز حرفشان را مستند به کتاب و منبع قابل قبولی نکرده اند.

در واقع بسیاری از موارد اختلافی میان شیعه و سنی، همین گونه است؛ یعنی از اساس، غلط و دروغ است و هرگز شیعه و سنی در آن اختلافی نداشته اند. بر دانشمندان باانصاف و اهل تحقیق لازم است که برای گسترش اتحاد و برادری میان مسلمانان و رفع سوء تفاهم و کدورت، اعتقادات هر مذهبی را در کتاب های خودشان جست و جو کنند و کتاب های مخالفان آنان را ملاک قضاوت خویش قرار ندهند. اکنون در صدد پاسخ گویی تفصیلی به این افترا نیستیم. مقصود، تذکر این نکته بود که شیعه و سنی در محل قیام و خروج امام مهدی (عج) توافق دارند و یک مکان را معرفی می کنند و آنچه به شیعه نسبت داده اند تهمتی بیش نیست.

ص: 71

---

1- . الأنساب، سمعانی، ج 7، ص 28. سمعانی می نویسد: «السَّامِرِيُّ بِاَفْتَحِ سَيْنِ تَشْدِيدِ دَارٍ وَ مِيمٍ وَ رَاءِ تَشْدِيدِ دَارٍ، مَنْسُوبٌ اسْتَبَدَّ بِهٖ شَهْرِي كِنَارِ رُودِ دَجْلَةٍ، سِي فَرْسَخٍ بِالْاَتْرِ اَزْ بَغْدَادِ بِهٖ اَنْ سَدَّ مِنْ رَأْيِ (خَوْشِحَالٍ شَدَّ هِرْكَسَ دِيدٍ) كَقْتِهٖ مِي شَوْد. مَرْدَمُ اَنْ رَا مَخْفَفَ كَرْدَنْدُ وَ سَامِرَاءُ كَقْتَنْدُ وَ دَرِ اَنْ شَهْرِ، زِيْرُزَمِيْنِ (سَرْدَابِ) مَعْرُوفِ دَرِ مَسْجِدِ جَامِعِ اَنْ وَاقَعِ اسْتَبَدَّ كِهٖ شِيْعَهٗ كَمَا مِي كَنْدُ مَهْدِي شَانِ اَزْ اَنْجَا خُرُوجِ مِي كَنْدُ». تَفْسِيْرُ اِبْنِ كَثِيْرٍ، ج 3، ص 66. اِبْنِ كَثِيْرٍ نِيْزِ دَرِ تَفْسِيْرِ خُودِ مِي نُوِيْسُدُ: «اَزْ اَنْهَآ، مَهْدِي بَشَارَتِ دَادِهٖ شُدِهٖ دَرِ اَحَادِيْثِ اسْتَبَدَّ. نَامُ اَوْ هَمَانَنْدُ نَامُ پِيَامْبِرِ (صَلِيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ) اسْتَبَدَّ... وَ اِيْنِ شَخْصِ، اَنْ مَنْتَظَرِي نِيْسْتِ كِهٖ رَافِضِيَّهٖ وَ جُودِ اَوْ رَا وَ ظُهْرٍ اَوْ رَا اَزْ سَرْدَابِ سَامِرَاءِ تَوْهَمِ كَرْدِهٖ اَنْدُ».

## 8. فرو آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) هنگام قیام

آخرین مورد مشترک احادیث شیعه و سنی در بحث قیام و خروج امام مهدی (عج) که در اینجا بیان می شود، رخدادی بزرگ است که در دوران ظهور امام مهدی (عج) واقع خواهد شد. اتفاقی که با رخ دادن آن بیشتر مسیحیان حق طلب، حقانیت امام مهدی (عج) را درک می کنند و به ایشان ایمان می آورند. واقعه فرو آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) از آسمان و اقتدا به امام مهدی (عج) در نماز، اتفاقی ویژه در دوران قیام امام مهدی (عج) خواهد بود. احادیث معتبر متعددی از اهل تسنن، این واقعه را بیان کرده اند؛ برای نمونه بخاری، محدث برجسته اهل سنت، این واقعه را چنین نقل کرده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ. (1)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: حال شما چگونه خواهد بود هنگامی که فرو می آید فرزند مریم (علیها السلام) میان شما؛ در حالی که امام شما از شماست.

دکتر بستوی، شش منبع برای این حدیث نقل کرده است. (2) صحت سند این حدیث به دلیل نقل در صحیحین، بحثی ندارد. هرچند در این حدیث، نام امام مهدی (عج) نیامده است، اما روایات معتبری هست که با تصریح به نام امام، ثابت می کند این جریان مربوط به دوران قیام

ص: 72

---

1- صحیح البخاری، ج 4، ص 168، [تعلیق مصطفی البغا] 3265 (1272/3). مصطفی بغا در شرح این حدیث آورده است: «مسلم این حدیث را در کتاب ایمان، باب فرو آمدن عیسی بن مریم برای حکم کردن به شریعت پیامبر ما محمد (صلی الله علیه و آله) شماره 155 [1] نقل کرده است. «امامکم منکم»؛ یعنی حضرت عیسی با شما نماز جماعت می خواند؛ در حالی که امام جماعت از این امت است به دلیل تکریم این امت یا منظور این است که حضرت عیسی میان شما به شرع شما حکم می کند که کمک گرفته از کتاب الله و سنت پیامبرش حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) است».

2- المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 279.

امام مهدی (عج) است؛ مانند روایتی که «حارث بن ابی اسامه» نقل کرده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): يَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ تَعَالَ صَلِّ بِنَا فَيَقُولُ لَا إِنَّ بَعْضَهُمْ أَمِيرٌ بَعْضُ تَكْرِمَةِ اللَّهِ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ. (1)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: عیسی بن مریم (علیها السلام) فرو می آید. پس فرمانده شما مهدی (عج) می گوید: بیا برای ما نماز بخوان (امام جماعت باش) و او می گوید: نه. برخی از آنان فرمانده برخی دیگرند. کرامت الهی است بر این امت.

دکتر بستوی، ضمن پاسخ به اشکال سندی این حدیث، صحت سند آن را ثابت کرده است. (2) ابن ابی شیبیه، نویسنده یکی از منابع قدیمی اهل تسنن، امامت حضرت مهدی (عج) را بر حضرت عیسی (علیه السلام) بدون بیان جریان آن، چنین نقل کرده است:

أَبُو أُسَامَةَ عَنْ هِشَامٍ عَنِ ابْنِ سِيرِينَ قَالَ الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُوَ الَّذِي يَوْمُ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ. (3)

ابن سیرین می گوید: امام مهدی (عج) از این امت است و او کسی است که بر عیسی بن مریم (علیها السلام) امامت می کند.

هر چند این کلام از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل نشده است، اما نزد اهل تسنن

ص: 73

1- . مسند الحارث بن ابی اسامه به نقل از سلسله الأحادیث الصحیحه و شیء من فقہها و فوائدھا، آلبانی، ج 5، ص 276.

2- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحیحه، ص 181.

3- . مصنف ابن ابی شیبیه، ج 7، ص 513. [1]



اعتبار دارد. (1) شیخ صدوق از محدثان معروف شیعه نیز در کتاب های متعددش این رخداد بزرگ را از احادیث شیعه، چنین نقل کرده است:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) ... وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيُنزَلَ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ ... (2)

ابن عباس می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ... سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت! اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می گرداند تا در آن روز، خروج کند فرزندم مهدی (عج). پس فرو می آید روح الله عیسی بن مریم (علیها السلام) و پشت سرش نماز می خواند.

شیخ صدوق در کتاب دیگرش چنین آورده است:

عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ (عليه السلام) يَقُولُ أَتَى يَهُودِيٌّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) ... فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): ... يَا يَهُودِيٌّ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَصَلَّى خَلْفَهُ. (3)

«معمر بن راشد» می گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) فرمود: فردی یهودی به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به وی فرمود: ... ای یهودی! مهدی (عج) از نسل من، است. هنگامی که خروج کند، عیسی بن

ص: 74

1- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 220. النتيجة: اسناده صحيح. رجاله كلهم ثقات.

2- . كمال الدين و تمام النعمه، ج 1، ص 280. [1]

3- . الأمل، شيخ صدوق، ص 218. [2]

مریم(علیها السلام) برای یاری اش فرو می آید و او را مقدم می دارد و پشت سرش نماز می خواند.

چنان که در فصل اول گفته شد، دانشمندان شیعه و سنی، امام مهدی(عج) را دوازدهمین خلیفه پیامبر(صلی الله علیه و آله) می دانند. در روایات شیعه ضمن بیان فرو آمدن حضرت عیسی(علیه السلام)، به آخرین وصی بودن ایشان نیز تصریح شده است.

شیخ صدوق در جریان شب معراج چنین نقل می کند:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَمَّا عَرَّجَ بِي إِلَى رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ أَتَانِي النَّدَاءُ يَا مُحَمَّدُ قُلْتُ لَبَّيْكَ رَبَّ الْعَظَمَةِ لَبَّيْكَ فَأَوْحَى إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ يَا مُحَمَّدُ... وَمَنْ أَحَبَّهُ (عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ) فَقَدْ أَحَبَّكَ وَمَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَقَدْ جَعَلْتُ لَهُ هَذِهِ الْفَضِيلَةَ وَأَعْطَيْتُكَ أَنْ أُخْرِجَ مِنْ صَدْلِهِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا كُلُّهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنَ الْبَكْرِ الْبُتُولِ وَآخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ يُصَلِّي خَلْفَهُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ مِنْهُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا. (1)

ابن عباس می گوید که پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: زمانی که من به سوی پروردگارم عروج داده شدم، ندا آمد: «ای محمد!» گفتیم: «لبیک، پروردگار بزرگی، لبیک». پس خداوند به من وحی فرمود: «ای محمد!... کسی که او (حضرت علی بن ابی طالب(علیه السلام)) را دوست بدارد، تو را دوست داشته است و هرکه تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و من این برتری را برای او قرار دادم و عطا کردم به تو اینکه خارج سازم از صلب او یازده مهدی؛ همه از نسل تو، از بکر بتول

ص:75

(فاطمه زهرا(علیها السلام)) و آخرین مرد از آنان، عیسی بن مریم(علیهما السلام) پشت سرش نماز می خواند. او زمین را از عدل پر می کند؛ همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

شیخ صدوق در نقل دیگری می آورد:

ذَكَرَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (عليهما السلام) سَيْرَ الْخُلَفَاءِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ الرَّاشِدِينَ فَلَمَّا بَلَغَ آخِرَهُمْ قَالَ الثَّانِي عَشَرَ الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ (عليهما السلام)

[خَلْفَهُ. \(1\)](#)

امام باقر(علیه السلام) روند جانشینان دوازده گانه را یاد آور شد و وقتی به آخرشان رسید، فرمود: دوازدهم کسی است که عیسی بن مریم(علیهما السلام) پشت سرش نماز می خواند.

روایات یاد شده از فریقین، نشان می دهد فرود آمدن حضرت عیسی(علیه السلام) و اقتدای ایشان به امام مهدی(عج) در نماز، نکته ای ثابت شده و مشترک در روایات شیعه و سنی است.

نتیجه: روایات فصل دوم که مربوط به ویژگی های قیام امام مهدی(عج) بود، روشن نمود بسیاری از مطالب در عقیده مهدویت، به صورت یکسان در روایات شیعه و سنی نقل شده است. حتی برخی مسائل مانند محل قیام امام، تعداد یاران و محل بیعت ایشان نیز به یک گونه بیان شده است. این هماهنگی، افزون بر اینکه دلیل اصالت و حقانیت عقیده مهدویت در اسلام است، ظرفیت اندیشه مهدویت را برای ایجاد وحدت میان مسلمانان و محور شدن برای گفت و گوهای مشترک نشان می دهد.

ص: 76

### اشاره

فصل سوم مشترکات در عقیده مهدویت را می توان در روایاتی از شیعه و سنی جست و جو کرد که تصویر جهان بعد از ظهور را ترسیم کرده اند. بی شک، می توان زیباترین تصویر جهان را در دوران حکومت امام مهدی (عج) یافت. احادیث شیعه و سنی به صورت یکسان، آن دوران را ترسیم کرده اند. اشتراک در بیان ویژگی های جهان بعد از ظهور، بیانگر اهداف مشترک فریقین است. اهدافی که در نظر گرفتن آنها در زمان حاضر، می تواند ضامن رشد بالنده جوامع اسلامی باشد و هم گرایی آشکاری را میان مسلمانان ایجاد کند و سد راه تفرقه شود و راه وحدت را نشان دهد.

در این فصل به سه مورد مشترک روایات شیعه و سنی درباره حکومت امام مهدی (عج) اشاره می کنیم:

### 1. عدالت فراگیر

بی تردید، مهم ترین شاخصه حکومت امام مهدی (عج) در روایات، گسترش عدالت است. عبارت آشنای

«یملأ الارض قسطاً و عدلاً»، بسیار

در روایات شیعه و سنی آمده است. آری زیباترین سیمای حکومت مهدوی، عدالت فراگیر آن است. در آن حکومت، حقی غصب نمی شود و مظلومی بدون دادخواه نمی ماند. کسی آزار نمی بیند و حق همه، حتی حیوانات و طبیعت، محفوظ است. عدالت فراگیر در تمام ابعاد مادی و معنوی دستاورد حکومت بی بدیل امام مهدی (عج) خواهد بود.

در فصل اول، از اوصاف ظاهری امام مهدی (عج) بیان شد که ابوداؤد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین نقل کرده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْمَهْدِيُّ مِنِّْي... يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا... (1)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: مهدی (عج) از من است... زمین را از برابری و عدل پر می کند؛ همان گونه که از ستم و ظلم پر شده است...

همچنین این عبارت در مباحث نام امام و نشانه های قیام «قتل نفس زکیه» از منابع اهل تسنن، و در مباحث نام امام و حتمی بودن قیام از منابع شیعه نقل شده است.

نعمانی درباره فراگیر بودن عدالت حکومت امام مهدی (عج)، عبارت جالبی را از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل کرده است:

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ... ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُّ (2). (3)

ص: 78

1- سنن ابی داؤد، ج 4، ص 107. [حکم الألبانی]: حسن.

2- القرّ بضم القاف و شد الراء: ضد الحرّ یعنی البرد.

3- الغيبة، نعمانی، ص 296. [1]

فضیل بن یسار می گوید شنیدم امام صادق (علیه السلام) فرمود: بدانید به خدا سوگند! عدالت امام به درون خانه هایشان وارد خواهد شد؛ همان گونه که گرما و سرما داخل می شود.

گسترش عدالت فراگیر در تمام نقاط زمین، از افتخارات بزرگ موعود مسلمانان است. در دوران حکومت نورانی امام مهدی (عج) کسی اجازه ظلم کردن به دیگری را ندارد؛ حتی در مسائل خانواده، همسر باید حق همسر خود را رعایت نماید و والدین و فرزندان باید به حقوق هم احترام گزارند.

گفتنی است که لازمه چنین عدالت فراگیری، آن است که به هیچ موجودی ظلم نشود. اما متأسفانه دشمنان اسلام، چهره ای خشن و غیر منطقی از موعود مسلمانان تبلیغ می کنند؛ موعودی قوم گرا که غیر مسلمانان را خواهد کشت. (1) با مراجعه به روایات فریقین روشن می شود که چنین نسبت هایی تا چه میزان ناروا و زشت و نابخشودنی است. البته از آنان که اعتقادی به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و دین راستین الهی ندارند، انتظاری جز این نمی رود. اما متأسفانه برخی از کسانی هم که ادعای مسلمانی دارند، همان تهمت ها را درباره موعود اهل بیت (علیهم السلام) تکرار می کنند و حتی در برخی موارد از کفار پیشی می گیرند؛ به طوری که می گویند موعود شیعه خونریز است و غیر شیعه را خواهد کشت. گرایش به یهود دارد و مسلمانان را از بین خواهد برد. (2)

ص: 79

---

1- . ر.ک: کتاب ضد مسیح اسلامی (The Islamic Antichrist) نوشته جوئل ریچاردسون (Joel Richardson).

2- . ر.ک: کتاب «متی یشرق نورک ایها المنتظر»، نوشته «عثمان الخمیس» که «اسحاق دبیری»، آن را به فارسی ترجمه نموده و با عنوان «عجیب ترین دروغ تاریخ» منتشر کرده است.

به راستی کدام ایمان و تقوایی، اجازه چنین افتراهایی را صادر می کند؟! چرا در دورانی که کفار قصد براندازی اسلام را دارند، گروهی نیز از درون دین با دلایلی بی پایه بر طبل تفرقه و دوگانگی می کوبند و آب در آسیاب دشمن می ریزند؟! آیا وقت آن نرسیده است که عالمان بانصاف اسلام با نظری عمیق و دقیق در منابع فریقین، به این تفرقه ها پایان دهند و امت اسلامی را یکپارچه کنند؟! سزاوار است تمام اندیشمندان اسلامی، به این تهمت ها و توهین ها واکنش نشان دهند و تفرقه افکنان را رسوا و روسیاه نمایند.

## 2. نعمت بی سابقه

یکی از ویژگی های بارز حکومت امام مهدی (عج) که در احادیث شیعه و سنی به آن اشاره شده است، بهره مندی بی سابقه مردم از نعمت های الهی است. روشن است که این بهره مندی در سایه اجرای عدالت و رعایت دقیق آن خواهد بود. بدون تردید، هنگامی که انسان، به درستی وظایف خود را در برابر خداوند و موجودات دیگر انجام دهد، از نظام آفرینش، بر همان خلقت اصلی، بهره کامل را خواهد برد. اگر مردم در دوران حکومت امام مهدی (عج) از نعمت های بی نظیر فراوانی بهره مند می شوند، به دلیل رعایت همین نکته است؛ زیرا رفتار عادلانه، موجب بهره وری فراوان و همگانی خواهد بود. خداوند در این باره می فرماید:

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ) (اعراف: 96)

و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، به یقین برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم.

بنابراین دور از انتظار نخواهد بود که در دولت کریمه امام مهدی (عج) مردم از نعمت های فراوان و بی سابقه ای بهره مند شوند. «ابن ابی شیبیه» وضع دنیا را در آن دوران، چنین وصف می کند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... وَنَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشًا لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ. (1)

حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: مهدی (عج) در امت من خواهد بود... و امتم در زمان ایشان امکاناتی برای زندگی خواهند داشت که قبل از آن نداشته اند.

دکتر بستوی با بررسی سندی، اعتبار این حدیث را ثابت کرده است. (2) همچنین وی در حدیث دیگری چنین نقل کرده است:

رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ... فَأَتَى النَّاسَ الْمَهْدِيَّ... وَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي وَلَايَتِهِ نِعْمَةً لَمْ تَنَعَمْهَا قَطُّ. (3)

یکی از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) می گوید:... پس امام مهدی (عج) به سراغ مردم می رود... و امت من به سرپرستی ایشان، از نعمتی بهره مند گردند که هرگز بهره مند نشده اند.

دکتر بستوی صحت سند این حدیث را نیز ثابت کرده است. (4)

جریر طبری نیز در منابع شیعه همین تصویر را با تفصیل بیشتری، چنین ارائه کرده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ):... وَتُنَعَّمُ أُمَّتِي فِيهَا

ص: 81

1- . مصنف ابن ابی شیبیه، ج 7، ص 513.

2- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 179.

3- . مصنف ابن ابی شیبیه، ج 7، ص 514.

4- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 214.



نِعْمَةٌ لَمْ يَنْتَعَمُوا مِثْلَهَا فَطَّ يُرْسِلُ اللَّهُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا فَلَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ وَالْمَأْكَلِ وَ سَيَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيُّ  
أَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ. (1)

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: ... و امت من در آن (دوران امام مهدی(عج)) از نعمتی بهره مند گردند که هرگز بهره مند نشده اند. خداوند بر شما از آسمان باران پی در پی می فرستد. پس زمین چیزی از گیاهان و خوراکی ها را درون خود نگه نمی دارد و مرد بلند می شود و می گوید: «ای مهدی! عطایم کن» و امام می فرماید: «بگیر».

چنان که گفتیم این بهره مندی گسترده از نعمت های الهی، نتیجه رفتار صحیح مردم است. از این بیان روشن می شود، هرچند حکومت ناب آخرالزمان تنها به دست امام مهدی(عج) اجرا شدنی است، اما مردم به هر میزان به آن عدالت و معنویت نزدیک شوند، به همان مقدار نیز بهره مندی شان افزایش می یابد. بنابراین سزاوار است عالمان و نویسندگان اسلام تمام تلاش خود را برای تبیین و تبلیغ عدالت و محو ظلم و ستم به کار گیرند تا جهانیان شاهد شیرین عمل به اسلام و عدالت را هر چند در مقیاسی بسیار کوچک بچشند.

### 3. طبیعت سرسبز

یکی دیگر از ویژگی های حکومت امام مهدی(عج) که در احادیث شیعه و سنی به آن اشاره شده است، وضع زمین به لحاظ آب و هوا و

ص:82

طبیعت است. بنابه نقل فریقین، در دوران حکومت امام مهدی (عج) آمادگی زمین برای رشد گیاهان بسیار مناسب خواهد بود. باران های فراوان و به موقع و زمین حاصل خیز، سبب رونق کشاورزی و دامداری می شود. حاکم نیشابوری، عالم اهل سنت، وصف آن دوران را چنین آورده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ (صلى الله عليه وآله)، قَالَ: يَخْرُجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ يَسَدُّ قَبِيهِ اللهُ الْعَيْتَ وَتُخْرَجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا... وَتَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ (1)... (2)

ابوسعید خدری می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: در آخر امت من، مهدی (عج) خروج می کند. خداوند با باران، سیرابش می نماید و زمین، گیاهانش را خارج می سازد... و دامداری فراوان می شود... .

دکتر بستوی ضمن اثبات صحت سند این حدیث، کسانی را که صحت سند آن را بیان کرده اند، نام می برد. (3) احمد بن حنبل نیز در این زمینه چنین نقل می کند:

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) يَكُونُ مِنْ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَتُخْرَجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَتُمْطَرُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا. (4)

ص: 83

- 
- 1- . النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ج 4، ص 335. ابن اثیر می نویسد: واژه «ماشیه» در احادیث مکرر نقل شده است. جمع آن، «مواشی» است و این اسمی است که بر شتر و گاو و گوسفند اطلاق می شود و اکثراً در گوسفند استفاده می شود.
  - 2- . المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 4، ص 601. این حدیث صحیح است اما بخاری و مسلم آن را نقل نکرده اند. ذهبی نیز به صحت آن حکم کرده است.
  - 3- . المهدي المنتظر، فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحه، ص 165.
  - 4- . مسند أحمد، ج 17، ص 310. [1]

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: از امت من، مهدی(عج) خواهد بود... زمین را پر از عدل و داد می کند و زمین، گیاهش را خارج می کند و آسمان، قطرات بارانش را فرو می ریزد.

بستوی، سه منبع برای این حدیث نقل نموده و با بررسی سندی، اعتبار این حدیث را ثابت کرده است. (1) شیخ طوسی نیز وصف دوران حکومت امام مهدی(عج) را به همین شکل نقل می کند:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ عَلَى الْمَسْبَرِ إِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَنْزِلُ لَهُ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرُهَا وَتُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ بِذَرِّهَا ... (2)

ابوسعید خدری می گوید: شنیدم رسول الله(صلی الله علیه و آله) بر فراز منبر فرمود: مهدی(عج) از عترت و اهل بیت من است. در آخرالزمان خروج می کند. باران آسمان، برایش فرو می ریزد و زمین، بذر خویش را برای او خارج می کند....

نتیجه:

چنان که ملاحظه شد، روایات نقل شده در وصف دوران حکومت آخرین وصی پیامبر بزرگ اسلام(صلی الله علیه و آله) تصویر بسیار زیبایی از آن دوران را ارائه می دهد. این روایات، افزون بر آنکه انسان را مشتاق درک آن دوران می کند، وظیفه امروز او را هم بیان می نماید؛ برای مثال اگر شاخصه اصلی حکومت مهدوی، عدالت است، باید مسلمانان مشتاق دولت مهدوی، رفتاری عادلانه داشته باشند.

ص: 84

---

1- . المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص 179.

2- . الغيبة، شیخ طوسی، ص 180.

بی شک، مصداق بارز عدالت اجتماعی، احترام گزاردن به عقاید مذاهب مختلف اسلامی است. هرگز روا نیست گروهی به نام دفاع از اسلام، بدون هیچ دلیل مستند، تنها با برداشت ذهنی خود، دیگر مذاهب اسلامی را به کفر و شرک متهم کند. آری! می توان در فضایی دوستانه و با بحث علمی، عقاید دیگر مذاهب را نقد و بررسی کرد. اما تهمت زدن و دروغ بستن به دیگر مذاهب، نه تنها دفاع از اسلام نیست، بلکه آب ریختن به آسیاب دشمنان قسم خورده اسلام است.



از مطالب این سه فصل، به روشنی معلوم شد که احادیث فریقین در ارائه تصویر منجی آخرالزمان، شبیه یکدیگرند؛ به عبارت دیگر، احادیث شیعه و سنی در معرفی شخص امام موعود، بیان اوضاع زمان قیام و ارائه تصویر جهان در دوران حکومت ایشان، گویای حقیقتی واحد است. البته موارد اشتراک میان احادیث شیعه و سنی بسیار بیش از این است و چنان که در مقدمه نیز بیان شد، در این نوشتار تنها احادیث معتبر اهل سنت ملاک قرار داده شد تا بهانه ای در دست مخالفان تفرقه افکن نباشد و ضعف و عدم اعتبار روایات را بهانه شبیه افکنی قرار ندهند.

بی شک، اگر تمام روایات کتاب های حدیثی بررسی شود، این تشابه بیشتر معلوم می شود. البته طبیعی است که در مواردی نیز، احادیث فریقین با هم تفاوت داشته باشد که بر همان اساس هر گروهی به احادیث معتبر خود معتقد و پایبند می شود. اما برخلاف سخن شبیه افکنان و تبلیغات تفرقه جویان، این تفاوت ها به حدی نیست که نتوان تصویر واحد و مشترکی از موعود اسلام و اوصاف دوران قبل قیام و حکومت ایشان ارائه کرد. جهان اسلام در بسیاری از اصول و حتی

فروع عقیده مهدویت مشترک است و مهدویت می تواند بستری مناسب برای گفت و گوی میان مذاهب اسلامی باشد. بسیاری از اختلاف های ادعا شده وهابیان تکفیری، دروغ هایی است که خودشان به شیعه نسبت می دهند و از اساس چنین سخنی در عقیده شیعه وجود ندارد؛ مانند ادعاهای دروغینی که درباره سرداب شهر سامرا و مخفی شدن امام شیعیان داخل آن سرداب به شیعه نسبت می دهند. چنین نسبت هایی از اساس دروغ است و شیعیان هرگز چنین عقیده ای نداشته اند. در برخی موارد نیز تفسیرها و برداشت هایی از روایات شیعه ارائه می دهند که کاملاً نادرست است و هرگز روایات شیعه، گویای آن مطالب نیست؛ مانند تفسیری که از احادیث «کتاب جدید» یا «قضاء جدید» یا «تجدید بنای کعبه» توسط امام مهدی (عج) ارائه می دهند. آنان چنین القا می کنند که امام شیعیان به دنبال محو اسلام و اهانت به کعبه و تخریب آن است؛ در حالی که بنای کعبه بر قواعد اصلی آن، آرزوی پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) بوده است و امام مهدی (عج) به دنبال احیای سنت نبوی (عج) است؛ نه اهانت به کعبه. اما منافع وهابیان تکفیری در القای این شبهات و اختلافات است.

در این مجال، فرصت طرح این شبهات و پاسخ به آنها وجود نداشت. تنها غرض این بود که بر خوانندگان گرامی روشن گردد، مسلمانان نباید در دام فریب و نیرنگ دغل بازان اختلاف افکن گرفتار آیند؛ آنانی که می گویند مهدویت شیعه و سنی تنها در نام امام مهدی (عج) مشترک است. روشن است که بحث مهدویت را خود پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) بیان کرده است. از این رو میان تمام فرق

اسلامی از اشتراک فراوانی برخوردار است.

به امید روزی که تمام فرهیختگان جهان اسلام با الگو قرار دادن سیره مهدوی گفتمان عدالت را گفتمان غالب در جهان قرار دهند و جهان را برای ظهور امام مهدی (عج) آماده نمایند تا به زودی شاهد حضور پسرور منجی عالم باشیم.

والحمد لله رب العالمین

قم مقدس

تابستان 1392

ص: 89





1. المهدی المنتظر فی الفكر الإسلامی، مركز الرساله، چاپ اول، قم، مركز الرساله، 1417 هـ. ق.
2. امالی شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، چاپ ششم، تهران، کتابچی، 1376 ش.
3. الأنساب، أبوسعبد عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی السمعانی المروزی، محقق: عبدالرحمان بن یحیی المعلمی الیمانی و غیره، چاپ اول، حیدرآباد، مجلس دائره المعارف العثمانیه، 1382 هـ / 1962 م.
4. تاریخ بغداد، أبوبکر أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد بن مهدی الخطیب البغدادی، محقق: الدكتور بشار عواد معروف، چاپ اول، بیروت، دار الغرب الإسلامی، 1422 هـ / 2002 م.
5. تحفه الأحوذی بشرح جامع الترمذی، أبو العلا محمد عبدالرحمان بن عبدالرحیم المبارکفوری، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
6. ترجمه و شرح نهج البلاغه، علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، 1379 ش.

7. تفسير القرآن العظيم (ابن كثير)، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي، محقق: محمد حسين شمس الدين، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلميه، منشورات محمد على بيضون، 1419 هـ. ق.
8. الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله (صلى الله عليه وآله) و سننه و أيامه (صحيح البخارى)، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، چاپ اول، بی جا، دار طوق النجاة (مصوره عن السلطانيه بإضافه ترقيم محمد فؤاد عبدالباقي)، 1422 هـ. ق.
9. دلائل الإمامه، محمد بن جرير بن رستم طبرى آملی صغير، مصحح: قسم الدراسات الإسلاميه مؤسسه البعثه، چاپ اول، قم، بعثت، 1413 هـ. ق.
10. سرور أهل الإيمان فى علامات ظهور صاحب الزمان (عج)، على بن عبدالكريم بهاء الدين نيلی نجفى، مصحح: عطار، قيس، چاپ اول، قم، دليل ما، 1426 هـ. ق.
11. سلسله الأحاديث الصحيحه و شىء من فقهها و فوائدها، أبو عبدالرحمان محمد ناصرالدين بن الحاج نوح بن نجاتى بن آدم الأشقودرى الألبانى، چاپ اول، الرياض، مكتبه المعارف للنشر و التوزيع، ج 1 تا ج 4: 1415 / ق 4 / 1995 م، ج 6: 1416 / ق 6 / 1996 م. ج 7: 1422 / ق 7 / 2002 م.
12. سلسله الأحاديث الضعيفه والموضوعه وأثرها السيئ فى الأمه، أبو عبدالرحمان محمد ناصرالدين بن الحاج نوح بن نجاتى بن آدم الأشقودرى الألبانى، چاپ اول، الرياض، دار المعارف، 1412 ق - 1992 م.

13. سنن ابن ماجه، ابن ماجه أبو عبدالله محمد بن يزيد القزويني، و ماجه اسم أبيه يزيد، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، دار إحياء الكتب العربيه، فيصل عيسى البابي الحلبي، بي جا، بي تا.
14. سنن أبي داوود، أبو داوود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السِّجِسْتَانِي، محقق: محمد محيي الدين عبدالحميد، بيروت، المكتبة العصريه، صيدا، بي تا.
15. شرح سنن أبي داوود، عبدالمحسن بن حمد بن عبدالمحسن بن عبدالله بن حمد العباد البدر، مصدر الكتاب: دروس صوتيه قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلاميه، <http://www.islamweb.net>، الكتاب مرقم آليا، ورقم الجزء هو رقم الدرس 598 درساً.
16. شرح نهج البلاغه، عبدالحميد بن هبه الله بن أبي الحديد، مصحح: ابراهيم محمد ابوالفضل، چاپ اول، قم، مكتبه آيه الله المرعشي النجفي، 1404 هـ. ق.
17. طبقات الحنابله، محمد بن محمد أبوالحسين بن أبي يعلى، محقق: محمد حامد الفقي، بيروت، دار المعرفه، بي تا.
18. عون المعبود شرح سنن أبي داوود، و معه حاشيه ابن القيم: تهذيب سنن ابى داوود و إيضاح علله و مشكلاته، محمد أشرف بن أمير بن على بن حيدر، أبو عبدالرحمان شرف الحق الصديقي العظيم آبادي، چاپ دوم، بيروت، دار الكتب العلميه، 1415 هـ. ق.
19. الغيبه نعماني، محمد بن ابراهيم ابن أبي زينب، مصحح: على اكبر غفاري، چاپ اول، تهران، نشر صدوق، 1397 هـ. ق.
20. الغيبه، كتاب الغيبه للحجه، محمد بن الحسن طوسي، مصحح:

تهرانی، عبداللہ و ناصح علی احمد، چاپ اول، قم، دار المعارف الإسلامیہ، سال 1411 ہ. ق.

21. فتح الباری شرح صحیح البخاری، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، بیروت، دار المعرفه، 1379، رقم کتبه و أبوابه و أحادیثه: محمد فؤاد عبدالباقی، قام بإخراجه و صححه و أشرف علی طبعه: محب الدین الخطیب، علیه تعلیقات العلامه: عبدالعزیز بن عبداللہ بن باز.

22. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیہ، 1407 ہ. ق.

23. کتاب الفتن، أبو عبداللہ نعیم بن حماد بن معاویہ بن الحارث الخزاعی المروزی، محقق: سمیر أمين الزهیری، چاپ اول، القاہرہ، مکتبه التوحید، 1412 ہ. ق.

24. کتاب المصنف فی الأحادیث و الآثار، أبوبکر بن أبی شیبہ، عبداللہ بن محمد بن إبراهیم بن عثمان بن خواستی العبسی، محقق: کمال یوسف الحوت، چاپ اول، الرياض، مکتبه الرشد، 1409 ہ. ق.

25. کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی ابن بابویه، مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، 1395 ہ. ق.

26. لسان العرب، أبو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم بن علی ابن منظور الأنصاری الرویفعی الإفريقي، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، 1414 ہ. ق.

27. مرقاه المفاتیح شرح مشکاه المصابیح، أبو الحسن نورالدین الملا الهروی القاری علی بن (سلطان) محمد، چاپ اول، بیروت، دار

28. المستدرک علی الصحیحین، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1411 ق - 1990 م.
29. مسند أحمد بن حنبل، أبو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني، محقق: شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد وآخرون، إشراف: عبدالله بن عبدالمحسن التركي، چاپ اول، مؤسسه الرساله، 1421 ق - 2001 م.
30. المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (صلى الله عليه وآله) (صحیح مسلم)، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، محقق: محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا.
31. موسوعه فی أحاديث الإمام المهدي، الضعيفه و الموضوعه، عبدالعليم عبدالعظيم البستوي، چاپ اول، 1420 ق - 1999 م.
32. الموضوعات، جمال الدين عبدالرحمان بن علي بن محمد الجوزي، تحقيق: عبدالرحمان محمد عثمان، چاپ اول، ناشر: محمد عبدالمحسن صاحب المكتبه السلفيه بالمدينه المنوره، جلد 1 و 1386: 2 ق - 1966 م، جلد 1388: 3 ق - 1968 م.
33. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحیحه، عبدالعليم عبدالعظيم البستوي، چاپ اول، بیروت، المكتبه المكيه، مكه المكرمه، السعوديه، دار ابن حزم للطباعه و النشر و التوزيع، 1420 ق - 1999 م.
34. النهايه في غريب الحديث و الأثر، مبارك بن محمد ابن اثير جزري،

مصصح: محمود محمد طنّاحى، چاپ چهارم، قم، مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان، 1367 ش.

35. نهج البلاغه، محمد بن حسين شريف الرضى، مصصح: صبحى صالح، چاپ اول، قم، هجرت، 1414 هـ. ق.

ص: 96

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

